مجله حوزه، شماره 157

**همبستگى حوزه‏هاى علميه جهان اسلام در پرتو پيام‏رسانى دينى**

**سيدعباس رضوي**

**چكيده:** در شماره گذشته مجله حوزه(155) گفته شد: تعامل علمى، حوزه‏هاى علوم دينى جهان اسلام در حوزه آموزش، راهى است براى تعالى و تكامل كانونهاى علمى. درآن بخش، گزارشى از مواد آموزشى در مدارس گوناگون ديوبند، و الازهر، مدينه و حوزه‏هاى شيعه ارائه گرديد. در اين بخش، سرفصلهايى از تلاشهاى اثرگذار تبليغى حوزه‏هاى دينى جهان اسلام گزارش شده و ضمن ارائه مشكلات مشترك و راهكارهاى تبليغى كانونهاى تبليغى كشورهاى اسلامى بر اين نكته تاكيد شده كه علماى اسلام در سايه تفاهم و همدلى مى‏توانند بر دشواريهاى راه فائق آيند و از كيان اسلام در برابر خطرهاى موجود حراست كنند.  دعوت به دين و ارزشهاى والا و سعادت آفرين آن، از رسالتهاى مشترك همه حوزه‏هاى علوم دينى جهان اسلام است. علماى اسلام، از هر فرقه و گروه خود را وارث پيامبران مى‏دانند و دعوت به دين و هدايت مردمان را وظيفه خود:  
 »فلولا نفر من كل فرقه طائفه ليتفقهوا فى الدين«.1  
 اين آيه شريفه فرمان مى‏دهد: از هر گروهى و دسته‏اى به نزد رسول خدا بروند و دانش دين فرا بگيرند، آن گاه به سوى مردم خويش باز آيند و آنان را بيم دهند.  
 اين پيام و دستور روشن، هميشه بايد سرلوحه كار امت اسلامى باشد. در هر دوره و برهه‏اى، گروه‏هايى به نزد عالمان و دين آشنايان بروند و دانش دين بياموزند و آن گاه به ميان طايفه، قبيله، و قوم و مردمان سرزمين خويش بازگردند و آن چه فرا گرفته‏اند به آنان بياموزانند.  
 سفارش پيامبر(ص) به على(ع) در آستانه سفر تبليغى - سياسى آن حضرت به يمن مورد اتفاق همه فرق اسلامى است. امام مى‏فرمايد:  
 »بعثنى رسول الله(ص) إلى اليمن فقال لى يا على... اَيم الله لئن يهدى الله على يديك رجلا خير لك مما طلعت عليه الشمس و غربت و لك ولاؤه«.2  
 پيامبر مرا به يمن روانه كرد و به من فرمود: يا على... به خدا سوگند، اگر به دست تو يك نفر هدايت گردد بهتر است برايت از آن چه آفتاب بر آن طلوع و غروب كند و زمام همه آنها به دست تو باشد.  
 آن سفير نور و هدايت با عمل به رهنمودهاى پيامبر توانست در مدت كوتاهى همدانيان يمن را مسلمان و رسول خدا را خشنود سازد.3  
 حوزه‏هاى علميه جهان اسلام در حوزه تبليغ و دعوت به دين و مذهب، روشها، راه‏ها و برنامه‏هاى مشترك و متفاوتى دارند كه آشنايى با آنها براى بهره‏گيرى و به كارگيرى مفيد خواهد بود. و خردمندانه خواهد بود هر گروهى از گروه‏هاى اسلامى راه‏ها و روشهاى آزموده شده در امر تبليغ را، در برنامه كارى خود قرار بدهد.  
   
**گستره دعوت اسلامى در ميان مذاهب اسلامى** همه مذاهب اسلامى، درباره دعوت اسلامى و دفاع از قرآن كارها و تلاشهاى اثرگذارى را انجام داده‏اند. در اين ميان، به گواه تاريخ، حوزه‏هاى شيعه پيشتاز بوده و حجم كارهاى آنها در معرفى و دفاع از دين و قرآن بسيار چشمگير است.  
 عبدالفتاح عبدالمقصود، دانشمند مصرى در اين باره گفته است:  
 »تاريخ بر خدمتهاى بزرگ عالمان شيعى در دفاع از اسلام، بهترين شاهد است. علماى بزرگ شيعه، در ميدانهاى فكرى به مجاهدتهايى توفيق يافتند كه دست ديگران از آن كوتاه بود. علماى شيعه، در برابر دشمنان اسلام و نشر تعاليم آن، بيدارى مردم و سوق دادن آنان به سوى قرآن، زحمات و قربانيهاى بسيارى را متحمل شدند. اگر ساير مسلمانان، ده يك علماى شيعه در حمايت و نشر اسلام تلاش مى‏كردند، اسلام اينك، شرق و غرب و عرب و عجم و سياه و سفيد عالم را فرامى گرفت«.4  
 ديگر مذاهب نيز براى دعوت به اسلام و معرفى مذهب خود كارهاى ارزنده‏اى را به انجام رسانده‏اند و دراين‏باره از سوى عالمان مالكى، شافعى، حنفى و حنبلى، صدها كتاب ويژه شيوه تبليغ و معرفى مكتب خود منتشر شده است.5 و نيز براى اين تبليغ بسيار هزينه كرده و دانشكده‏هاى گوناگون، سامان داده‏اند از آن جا كه مذاهب اسلامى، موضوعات تبليغى مشترك دارند، مى‏توانند با تعامل و همفكرى، روى آنها سرمايه‏گذارى كنند و از توانها، ابزارها و آثار همديگر سود ببرند و هزينه‏هاى دعوت دينى را كاهش دهند و بنيه‏هاى همگرايى را استوار سازند.  
   
**نمونه‏هايى ازاهداف مشترك تبليغى جهان اسلام** جهان اسلام، با تهاجم گسترده‏اى از سوى دشمنان رو به روست و روز به روز بر گستره و گوناگونى آن افزوده مى‏شود. امت اسلامى در برابر شبهه‏ها و شبيخون فرهنگى و فكرى دشمنان و مكتبهاى الحادى نيازمند پشتيبانى فكرى است. دستگيرى از گرفتاران فكرى، از اولويتهاى تبليغى همه مذاهب اسلامى است. جنبش مسيحى صهيونيسم بين‏المللى، با همه توان به رويارويى با اسلام برخاسته است. حركتى كه در سده‏هاى پنجم هجرى جنگ‏هاى دويست ساله صليبى را بر جهان اسلام تحميل كرد، امروز در شكل ديگر نمايان شده است. صهيونيستها خود را در زير نقاب مسيحيت پنهان كرده و به احساسات خفته مليونهإ؛ ّّ  مسيحى ساده دل عليه اسلام دامن مى‏زنند. مؤسسات مسيحى تبليغات گسترده‏اى را در جهان عليه اسلام و قرآن به راه انداخته‏اند. و گروه‏هاى تبشيرى از راه‏هاى گوناگون تلاش مى‏ورزند مسلمانان را از اسلام جدا و به مسيحيت وارد سازند.  
 گروه »رستاد« از زمان نبردهاى گروه‏هاى جهادى افغان با روسيه، با استفاده از امكانات سازمانهاى بين‏المللى، به كار گسترش مسيحيت در آن كشور است. و كشيشان به نام كمك رسانى، مسيحيت را تبليغ مى‏كنند.   
 جان تارزول كانادائى، رئيس سازمان خيريه‏اى كه در افغانستان به مردم كمك‏رسانى مى‏كرده، با استفاده از جايگاه شغلى خود به تبليغ مسيحيت مى‏پرداخت. در اين باره بسيار جدى بود. با برنامه‏ريزى، طرحهاى خود را اجرا مى‏كرد. وى پنج خانواده افغان را كه مسيحى كرده بود به كانادا فرستاد. او جزوه‏هايى را به زبان فارسى همراه با كمكهاى غذايى دركمپها پخش مى‏كرد.6   
 سازمانى مسيحى ديگر به مركزيت اشتوتگارت (آلمان غربى) از گروه‏هاى تبشيرى تندرو است. اين مركز شعبه‏اى در سويس دارد. و به بسيارى از زبانهاى زنده نشريه و كتاب منتشر مى‏سازد و رد اسلام و قرآن در رأس برنامه‏هاى آن قرار دارد. گروه‏هاى تندرو مسيحى در شهريور 87 در كلن آلمان آشكارا »كنگره ضداسلامى شدن« بر پا كردند و جنجالى‏ترين شخصيتهاى سياسى اروپا در آن عليه اسلام سخن گفتند.7   
 كشيش متعصبى به نام پدر يوسف درّه الحداد، در لبنان ده‏ها كتاب عليه اسلام و قرآن منتشر ساخته است از جمله: القران و الكتاب، انجيل برنابا شهاده زور على القران. وى در اين كتابها حقائق تاريخى و سيره پيامبر را تحريف مى‏كند.8   
 ابوموسى حريرى نيز از كشيشانى است كه با استفاده از اوضاع سياسى آشفته لبنان، تحريف حقائق مسلم اسلام را سرلوحه كار خود قرار داده و با استفاده از پشتيبانيهاى دولتهاى غربى در اين باره كتابهاى گوناگونى، از جمله: القران دعوة نصرانيه، و نبى الرحمه و قران المسلمين را منتشر كرده است.9   
 دراستراليا، كشيشهاى تندرويى وجود دارند كه در نشريه‏هاى خود عليه پيامبر و تعاليم اسلام مطالب سخيفى مى‏نويسند و عرضه مى‏دارند. به تازگيها در اين كشور كتابى از جون لاون به نام »خطراسلام« منتشر شده است. نويسنده اين كتاب، سالها در سرزمينهاى اسلامى مى‏زيسته و اكنون در لندن زندگى مى‏كند. وى، در راديوهاى محلى نيز با انجام مصاحبه‏هايى عليه اسلام سخن مى‏گويد.   
 انتشارات سرف فرانسه، كتابى به نام »ما واسلام« منتشر ساخته است. نويسنده اين كتاب راهبى به نام يوحنا محمدعبدالجليل، مسلمان و مراكشى‏الاصل است كه در دانشگاه »قِرويينِ« مراكش تحصيل كرده و آن گاه به پاريس رفته و به سال 1945 به مسيحيت گرويده است. در اين اثر عليه اسلام قلم فرسايى كرده است.   
 دراندونزى، بيش از چهار هزار مبلغ و مبشر مسيحى وجود دارد. تنها در جزيره بورينو، كه جزيره مسلمان نشين است، بيش از هزار مبشر مسيحى به تبليغ اشتغال دارند.   
 تا آن‏جا كه در بين مسلمانان جاى پا باز كرده و شمارى از آنان را در خدمت گرفته‏اند. از جمله برهان الدين رفاعى مسلمان زاده‏اى كه به كيش مسيحيت گرويده، در كار تبليغ عليه اسلام است وى كتابى به نام عيسى در قرآن منتشر ساخته است.10   
 ژوزف كاردينال بنديكت شانزدهم، در نوشته‏هاى خود اسلام را به غير عقلانى و بربريت متهم ساخته است. وى در سخنرانى رسمى در دانشگاه روزنبرگ آلمان، در 12 سپتامبر 2006 به بهانه بحث درباره »ايمان و عقل« با نقل گفت و گوى مانوئل دوم امپراطور قرون وسطى با مسافرى ايرانى، به اسلام حمله كرد و آن را دينى مخالف عقل و منطق ناميد و گفت:   
 »محمد فقط شرارت و اعمال غير انسانى به ارمغان آورده و سفارش كرده دين را با شمشير گسترش دهيد. «11 كانونهاى استعمارى، پاره‏اى از برنامه‏هاى خود را در لواى تقريب اديان و مذاهب پيش مى‏برند. يكى از اهداف كنگره جهانى اديان پديدآورى زمينه و امكان پيدا كردن آزادى تغيير عقيده و ازدواج زن مسلمان با مرد مسيحى است.   
 افزون بر ايجاد شبهه درباره پيامبر و قرآن، مهر و محبت، كمكهاى مردمى، ايجاد بيمارستان و مدرسه و كلاسهاى آموزش زبان، از راه‏هاى نفوذ مبشران مسيحى در ميان مسلمانان است. مارش چالز از كشيشان پرآوازه كاتوليك، در كتاب »روش تبليغ مسيحيت در ميان مسلمانان« راه‏هاى گوناگون رخنه در ميان گروه‏هاى مسلمان را تشريح كرده و تجارب مبشران در اين زمينه را در اختيار هم كيشان خود گذاشته است. به اين گزارش توجه كنيد:   
 »يك زن جوان براى ايجاد ارتباط با زنان مسلمان به شهر فرانسوى زبان بزرگى رفت. قادر بود كه آپارتمان ارزانى، در بلوك بزرگى، كه او تنها فرد اروپايى آن جا بود، كرايه كند. جمعيت آن شهر اختلاطى از اكثر نژادها و مليتها بود. و مركز عمده‏اى براى تبه كارى به شمار مى‏رفت. ديگر ميسيونرها خطر اقامت در چنين مكانى را به او خاطر نشان كردند. و گفتند محيط كثيف است. سروصدا دائمى است. ساختمان غيربهداشتى است. و زندگانى شما در خطر خواهد بود. بااين حال او مقاومت كرد و در زمانى كم‏تر از يك ماه بيش‏تر از نود كودك مسلمان به هفت كلاس آموزش انجيل او مى‏آمدند. زنان جوان به ملاقات او رفته و رفتارش با همسايگان دوستانه بود و به زودى به عنوان فردى از خودشان پذيرفته شد. «12   
 كشور بنگلادش از كشورهاى حنفى مذهب، به شدت در تيررس مسيحيت قرار دارد. اين كشور عضو سازمان كنفرانس اسلامى، گرچه از كمكهاى ديگر اعضا، بى بهره نيست، ولى فزونى مشكلات و مصائب، كليساى كاتوليك روم را به انديشه واداشته تا از استيصال دولت بنگلادش به سود خود بهره برد. شورش بودائيان در اين كشور نيز، برخاسته از مشكلات اقتصادى و درماندگى اين كشور پرجمعيت است.13   
 مبشرين مسيحى در راه اهداف خود از هر شگردى بهره مى‏گيرند. استكبار جهانى، در هر جا كه رد پا پيدا كرده، به نام مسيحيت و با بهره‏گيرى از مسيحيان كينه توز و جاهل، به ستيز با اسلام، برخاسته است و تيرهاى زهرآگين خود را به سوى رسول گرامى اسلام و آموزه‏هاى وحيانى و رهايى‏بخش آن رها كرده است. چندى پيش در تلويزيون ايتاليا، به صراحت اعلام شد كه شمار زيادى از كتاب آيات شيطانى سلمان رشدى در اختيار مردم قرار خواهد گرفت.   
 موضوع آتش زدن قرآن به دست پليد كشيشهاى تندرو، اعلان مبارزه آشكار با اسلام است.   
 ايران اسلامى نيز از تهاجم مسيحيت وابسته به استكبار جهانى و پيشقراولان مسيحى استعمار، درامان نمانده است.14 در دوره پهلوى ارنست پرون15 عضو رسمى مسيحى دربار، افراد موثر و كليدى دربار و نزديكان به دربار را به آيين مسيحيت مى‏گرواند. او و ديگر كسان، زمينه‏هاى خاصى براى گرويدن افراد به آيين مسيحيت فراهم مى‏آوردند. دادن امكانات مالى و حمايت‏هاى سياسى بين‏المللى، از شگردهاى آنان براى جذب افراد اثرگذار و كليدى بود. از خاندان پهلوى، شمس پهلوى رسما مسيحى شده و داراى كليساى خانگى بود.16   
 رخنه خانه به خانه و كليساهاى خانگى از برنامه‏هاى نوين واتيكان در جهان اسلام است. كه برابر گزارشهاى رسمى ده‏ها كليسا در مشهد كشف شده كه به جذب مردم به آيين مسيحيت، مى‏پرداختند. موضوعى كه رهبر معظم انقلاب اسلامى در سفر به قم درباره خطر آن به فضلا و مراجع تقليد هشدار دادند و آنان را به مرزبانى بيش‏تر از مرزهاى فكرى مردم، فراخواندند.17   
 ليبراليسم غربى، پس از چند دهه خاموشى و افسردگى، دوباره سربرآورده و با شعار آزادى و دموكراسى، مذهب را به جنگ مى خواند. غرب در دوره جنگ سرد، بر اثر رقابت با كمونيزم بين‏الملل كم‏تر عرصه قدرت‏نمايى داشت و جنايتهاى آشكار دولتهاى غربى در جهان سوم و خاورميانه، مانورهاى غربيان را بى‏اثر مى‏ساخت و اينك در دو دهه اخير با پشت سرگذاشتن كمونيزم و بيرون راندنِ آن از دور رقابت، اسلام را مهم‏ترين رقيب خود اعلام كرده و دوباره يكه تازيهاى گذشته را از سر گرفته است و اشغال كشورهاى بى پناه را آزادى‏بخشى مى‏خواند. مؤسسات مطالعاتى استراتژيكى غربى مانند مؤسسه مطالعاتىِ »رند« به سرپرستى فوكوياما، دموكراسى ليبرال به رهبرى آمريكا را نقطه پايان تكاميل ايدئولوژيك بشر و آخرين شكل حكومت بشرى و فرجام تاريخ مى‏داند. وى با پرده پوشى بر شكاف عظيم فقر و غنا در دل كشورهاى غربى و جنايتهاى هولناك رژيمهاى غربى در ديگر كشورها، تاكيد دارد، تاريخ از اين به بعد، در چارچوب حاكميت ليبراليسم، ادامه خواهد يافت و ارزشهاى حاكم بر زندگى انسانها در جاى جاى گيتى، در تمامى ابعاد آن، همانا ارزشهاى ليبرال خواهند بود و ارزشهاى ديگر مطلوبيت همه گير نخواهند يافت و تنها به صورت خرده ارزش به حيات بى‏ثمر خود ادامه خواهند داد.18   
 پاسداران فرهنگ غربى، اسلام را به عنوان دين خون و شمشير معرفى مى‏كنند و براى جلوگيرى از گرايش ملتها به قرآن، به اسلام هراسى دامن مى‏زنند.   
 جهانى سازى و يكسان سازى فرهنگى، از خطرهاى ديگر پيش روى جهان اسلام است. جهانى سازى، هويت و استقلال فرهنگهاى گونه‏گون جامعه بشرى و جوامع اسلامى را مورد تاخت و تاز قرار داده است: فرهنگ‏سازى تصنعى در سطح بين‏المللى، با تكيه بر روشهاى جديد ارتباطى در حال جريان و دامن گسترى است. ميراث گونه‏گون و فرهنگ معنوى در زير چرخهاى ارابه هويت‏سازى، در حال نابودى است. در حالى كه جوامعى كه از نظر ميراث گونه‏گون فرهنگى و معنوى، توان‏مند بوده و در تحولات تاريخى - سياسى جهانى توانسته‏اند ميراث متنوع فرهنگى خود را حفظ كنند، در دنياى معاصر از جايگاه ويژه فرهنگى برخوردارند. نمونه آن تحولات فرهنگى ايران در دوران تمدن اسلامى است.   
 عرفانهاى دروغين چون بوديسم، شيطان پرستى، عرفان سرخ پوستى واوشو و صدها مكتب غير عقلانى و خرافى از پديده‏هاى نوظهور است كه جهان اسلام را تهديد مى‏كند. سرخوردگى از ماديت غربى و زندگى ماشينى، قشر بزرگى از جوانان را متوجه عرفان شرقى كرده است. مكتب بوديسم در اين راه نخستين منزل گاه و ميزبان نوجويان غربى است. در اين‏باره مبلغان بوديسم با تبليغات مردم پسند، تلاش مى‏ورزند. بنا به گزارشهاى مستند، هزارها اروپايى با ديدن فيلم بوداى كوچك اثر كيو ربوس و كارگردانى برناردو برتولوژى فيلمساز برجسته ايتاليايى، به مذهب بوديسم گرايش پيدا كرده‏اند. از جمله آنان روبرتو باجو فوتباليست پر آوازه ايتاليائى است. برتولوژى براى ساخت اين فيلم سى ميليون دلارى، نزديك به يك سال در زادگاه دالائى لاما »تبت« به سر برده و اين اثر تبليغاتى 140 دقيقه‏اى را به سال 1993م، ساخته است. وى سعى كرد در ضمن اين فيلم، موضوع تناسخ را كه از اصلى ترين باورهاى بودائيان است، واقعى وعقلانى نشان دهد.   
 تهاجم فرهنگى و شكستن حريم خانواده، با گسترش فساد و فحشاء از ديگر مشكلات جمعى جهان بشرى و دنياى اسلام است. استكبار، براى رسيدن به اين هدف شوم و گستراندن چتر سياه خود بر بشريت و بويژه مسلمانان از ماهواره و ديگر رسانه‏هاى جمعى بهره مى‏برند. فيلمهاى بسيارى با هدف به كژراه كشاندن جوانان مسلمان و جهان سوم ساخته مى‏شود.19 فرهنگ سرمايه‏دارى موجب شده كه دولتهاى پاره‏اى از كشورهاى اسلامى، مانند مصر واندونزى، به مساله قمار و فحشا به هدف جلب جهانگرد و توريست روى خوش نشان دهند.   
 فمنسيم زير نقاب دفاع از حقوق زن در جهان اسلام، گرد و غبار برانگيخته و شبهه و مسائلى به وجود آورده است. كه البته سر منشاء و زمينه‏ساز رشد و دامن گسترى اين پديده، بى توجهى به حقوق زنان در ميان پاره از كشورها و اقوام مسلمان است. كسانى كه به نام اسلام حكمرانى مى‏كنند و هزارها جفا در حق زنان روا مى‏دارند و به رفتارى خلاف عرف و شرع دست مى‏يازند و از همه عوامل اثرگذارتر ديدگاه‏ها و فتواهايى است كه به نام اسلام درباره زنان در قلمرو جهان عرضه مى‏شود. اينها و ده‏ها عامل ديگر، دستاويزى براى بدخواهان اسلام در ترويج مساله فمنيزم و شكستن حريم خانواده‏ها شده كه نمونه‏هايى از آن را الطاهرالحداد، اديب معاصر تونسى دركتاب »امرأ تنا بين الشريعه والمجتمع« به تصوير كشيده است.   
 ملى گرايى از ديگر مسائل فرارو و مشترك جهان اسلام است. ناسيوناليسم افراطى، هماره بخشهايى از دنياى اسلام را در التهاب داشته و از سوى استعمارگران غربى، بدان دامن زده مى‏شود. جهان اسلام و مسلمانان از درگيرى و نزاعها و جنگهاى خونين طايفه‏اى و نژادى، خاطرات بسيار تلخى دارند. و هنوز نيز اين پديده شوم گريبان‏گير مسلمانان است و خانمانهايى را بر باد مى‏دهد. در اوج مبارزات ضد استعمارى جهان اسلام عليه انگليس، استعمارگر پير، سرزمينهاى اسلامى را به مناطق كوچك تقسيم كرد و مردم هر منطقه‏اى را بر سر مسائل جغرافيايى با يكديگر درگير كرد كه تا امروز ادامه دارد.   
 سيد قطب در نامه‏اى مفصل به آيت‏الله كاشانى (1340ش) در جريان نهضت ملى نفت، به پيامدهاى ويران‏گر گسترش ملى گرايى از سوى استعمار اشاره كرده است. از جمله در بخشى از آن نامه آمده است:   
 »امپرياليسم، مهم‏ترين بازى خود را زمانى انجام داد كه ميهن بزرگ اسلامى را به كشورهاى كوچك، با گرايشهاى ضعيفِ ملى تقسيم كرد و مليت بزرگ اسلام در اين كشورها كنار گذاشته شد. استعمار، با اين كار اتحاد بزرگى را، كه اسلام پديد آورده بود و در آن نژاد، رنگ و زبان درهم مى‏آميخت و همگى با يك صدا و برادروار شعار واحدى را سر مى‏دادند از هم فروپاشيد. امپرياليسم، جز اين بازى چاره‏اى نداشت؛ زيرا نمى‏توانست و قدرت نداشت كه اين تشكل بزرگ و يك پارچه را ببلعد. اما زمانى كه بوق ملى گرايى به صدا درآمد، گردنبند از هم پاشيد و گره باز شد و تشكل از هم گسيخت و به لقمه‏اى چرب و نرم براى هر كس كه مى‏خواهد مبدل شد. سپس هر كدام از اين كشورهاى كوچك با مشكلات داخلى رو به رو شدند. آنها با اين مشكلات، بدون وجود پرچمى كه در سايه آن بايستند و بدون داشتن قبله‏گاهى كه به سمت آن رو آورند... به ناچار هر كدام به تنهايى به مقابله با استعمار پرداختند. اين مقابله گاهى به شكايت به شوراى امنيت مى‏انجاميد و... اما در هر بار هم به ناكامى مى‏انجاميد... «20   
 تهاجم پياپى دشمنان كينه توز اسلام و مسلمانان، به مسلمانان از ديگر گرفتاريهاى بين‏الملل اسلامى است. مسأله غزه، قدس، لبنان، عراق، افغانستان و هويت زدايى از مسلمانان اوگاندا، اشغال قره باغ قفقاز از سوى ارمنستان و... از دردهاى مشترك جهان اسلام است.   
 يهوديان وابسته به استكبار و صهيونيزم نيز با همه توان در پى يورش به باورهاى اسلامى‏اند. يهوديان در خاورميانه، برنامه‏ها و تلاشهاى ضد اسلامى خود را گسترش داده‏اند. در همين راستا، گروه رسانه‏اى موبى »MOBY« به مشاركت آقاى مرداك، وابسته به صهيونيستها، سالهاست در افغانستان فعاليت مى‏كند. دو ايستگاه راديويى آرمان و آراكوزيا (اصطلاحى در زبان پشتو)، چهار شبكه تلويزيونى طلوع، لمر، فارسى وان و طلوع نيوز، دو پروداكشن توليدى، شركتهاى بزرگ تبليغاتى، كتابخانه و محل كتابخوانى، كافى شاپ و كافى نتهاى زنجيره‏اى در شهرهاى مختلف افغانستان متعلق به اين شركت است.   
 فيلم ضد ايرانى سيصد، ساخته هاليوود نيز به وسيله اين شبكه پخش شده است. شبكه تلويزيونى طلوع براى مشروعيت بخشيدن به حضور صهيونيستها در جهان اسلام، زمينه سازى مى‏كند. شكستن حريم خانواده از راه پخش فيلمهاى فارسى مستهجن از ديگر برنامه‏هاى اين شبكه است.   
 يهوديان وابسته، افزون بر افغانستان، در عراق به طور گسترده تلاش مى‏ورزند تا زمينه را براى حضور ويران‏گر صهيونيزم بين الملل آماده سازند. بيكارى، فقر و محروميت در اين كشور اشغال شده، زمينه را براى تلاش اينها و ديگر فرقه‏هاى انحرافى مهيا ساخته است. گزارشها حكايت از آن دارد كه ده‏ها شركت وابسته به صهيونيست، در پوشش شركتهاى اروپايى و امريكائى در عراق، بويژه در شمال اين كشور، به فعاليت مشغول اند. كردهاى يهودى عراقى تبار، واسطه حضور اسرائيل در منطقه‏اند.21 گزارشهاى مستند حكايت از دخالت موساد در ترور صدها دانشمند هسته‏اى و استاد دانشگاه عراقى دارد.22   
   
**سنى هراسى و شيعه هراسى** بيگانگان براى دور كردن ذهن علماى اسلامى از تهاجم به جهان اسلام و فراموش كردن اشغال بى سر و صداى كشورهاى اسلامى، به موضوع سنى هراسى و يا شيعه هراسى دامن مى‏زنند. غربيان با تبليغات سازماندهى شده شيعيان را از خطر ديگر مذاهب مى‏ترسانند و با بزرگ كردن سلفى گرى و ناصبى گرى، بر آن‏اند كه شيعيان به جاى پيمودن راه‏هاى همدلى، همه توش و توان خود را در مقابله با آنان به كار بندند و از آن سو پيروان ديگر مذاهب را از پيروان اهل بيت، بيمناك مى‏سازند. علامه سيد محمد حسين فضل اللّه در اين باره چنين هشدار داده است:   
 »اين مشكلات سبب شده كه برخى از مسلمانان، يكديگر را تكفير كنند. دلارهاى بسيارى مصرف مى‏شود تا اين كه شيعه و سنى به يكديگر نزديك نشوند. هزينه‏هاى سنگينى به كار گرفته مى‏شود براى اين كه اسلام بى روح جايگزين اسلام تحرك آفرين گردد. كوشش دشمن اين است كه اسلام را در كنج مساجد محصور و محبوس كند و نگذارد كه در اعماق زندگى مسلمانان نفوذى داشته باشد«23   
   
**راه برون رفت جهان اسلام از بحرانهاى فرهنگى** براى انجام درست دعوت دينى و برون رفت از مشكلات موجود چه بايد كرد؟ و كدامين راه ما را زودتر به مقصد مى‏رساند؟ برخى از راهكارهاى تجربه شده و سودمند از اين قرار است.   
   
**الف. دشمن شناسى** شناخت ترفندهاى دشمن براى ناكارآمد كردن دعوت دينى، نخستين گام است؛ چه هماره در زمين مستعد و هموار مى‏توان بذر پاشيد و راه رفتن بر زمينى كه دشمن در آن به تباه گرى مى‏پردازد چونان راه رفتن بر روى زمين پر از مين است. از اين روى، دشمن‏شناسى از محورى‏ترين اهرمها در رويارويى با تهديدها و دفاع از امت و فرهنگ اسلامى است. چه بسا امتهايى كه در طول تاريخ، در اثر غفلت از دشمنان و نداشتن آگاهى و بصيرت لازم در شناخت توطئه‏هاى بيگانگان، از ميان رفته و عزت و كرامت آنان پايمال شده است. به فرموده زيبا و دقيق امام على(ع):   
 »من نام عن عدوه انبهته المكايد. «24   
 كسى كه در برابر دشمن‏اش به خواب رود (از او غافل بماند) حيله‏هاى غافل‏گيرانه دشمن، او را از خواب بيدار مى‏كند.   
 جهان آفرينش عرصه رويارويى حق و باطل و نزاع پيروان انبياء با شياطين است. براى فتح و پيروزى بر دشمنان دين و بد خواهان امت اسلامى بايد دشمن را به درستى شناخت و از تكنيكها و تاكتيكها و سياستهاى راهبردى او آگاهى يافت، تا بر مكر وى غلبه كرد.   
 تبليغات و جنگ روانى از كارآمدترين روشهاى دشمن براى دستيابى به منافع خود در جهان اسلام است.   
 و يا ايجاد اختلاف ميان امت اسلامى و رويارويى نيروهاى مسلمان از روشهاى دشمن براى حضور و ايجاد جاى پاى در عالم اسلام بوده است به فرموده مقام معظم رهبرى:   
 »يكى از توطئه‏ها و تهديدهاى دشمن، ايجاد اختلاف بين و در درون كشورهاى اسلامى است. در واقع، بهترين ابزار و وسيله‏اى كه دشمن در اختيار دارد، اين است كه بين مسلمين اختلاف ايجاد كند. «25   
 »... استكبار تلاش مى‏كند تك تك دولتها و حكومتهاى اسلامى را با چيزهاى جزيى و با وعده‏اى واهى از بدنه دنياى اسلام جدا كند و وضع همين چيزى مى‏شود كه هم اينك در جهان اسلام وجود دارد. «26   
   
**نمونه‏هايى از توطئه‏هاى دشمن بر ضد جهان اسلام** ميرزاى شيرازى، نسبت به همه مسلمانان دلسوز بود. و براى همبستگى امت اسلامى و پيشگيرى از رويارويى شيعيان و دولت بزرگ عثمانى، كارهاى ثمربخشى را به انجام رسانيد. حلقه ياران و شاگردان وى نيز چون او مى‏انديشيدند.   
 ميرزا حسن آشتيانى از بازوان تواناى ميرزا در جنبش تنباكو، در سفر به عتبات، پس از زيارت امام كاظم(ع) بر سر قبر ابوحنيفه، پيشواى حنفى مذهبان، در بغداد رفت و به خادمان و مزاربانان آن هداياى درخورى بخشيد.   
 پس از پيروزى جنبش تنباكو عليه بريتانيا به سال 1309 ق. جايگاه ميرزاى مجدد و آشتيانى در ميان مردم ايران و عثمانى بالا رفت. استعمار پير براى ايجاد اختلاف ميان امت و تيره جلوه دادن چهره رهبران جهاد و مبارزه، رساله‏هاى تفرقه‏انگيز موهومى را به نام ميرزاى آشتيانى در نجف، كه در آن روز در حوزه جغرافيائى دولت عثمانى قرار داشت، منتشر ساخت. در اين نوشته‏ها به باورهاى مذهبى ديگر مذاهب، از جمله حنفيان توهين شده بود.   
 شيخ مرتضى آشتيانى، پدر را در جريان اين فتنه خانمان سوز قرار داد. ميرزاى آشتيانى در پاسخ، مواضع خويش را درباره اين رساله ساختگى اعلام كرد. ميرزا در نامه به فرزندش، يادآور شده است:   
 ديدگاه‏ها و عملكرد وى را در موارد ذيل، به قاضى حنفى مذهب نجف اعلام كند.   
 1. چگونگى سلوك با علماى اهل سنت و جماعت در جريان مسافرت به شام و ديگر سفرها.   
 2. حاضر شدن بر سر مزار ابوحنيفه در بغداد و كمك به خدمه آن بقعه و خواندن فاتحه براى وى.   
 3. تجليل از اهل سنت.   
 4. كوشش در رفع مغايرت بين شيعيان و پيروان ديگر مذاهب و جمع كلمه اسلاميه.   
 5. باور به اين كه اهل سنت مسلمان و پاك‏اند.   
 6. و در نهايت صدور حكم به گردآورى و توقيف رساله مزبور.   
 آشتيانى در ادامه نامه، دست اندر كاران اصلى انتشار اين رساله را فاسدالعقيده و دشمن اسلام دانسته و انتشار مطالب تفرقه‏آميز را برخلاف مذهب شيعه اعلام مى‏دارد.27   
 اين گزارش گوياى اين حقيقت است كه دشمنان قرآن، چسان در هنگامه نياز مبرم امت اسلامى به وحدت كلمه، در پى تفرقه بوده‏اند، تا رهبرى واحده امت اسلامى را تضعيف كنند. تاريخ براى ما نيز آيينه عبرت است. و غفلت از توطئه‏هاى دشمنان ديرين و زخم خورده شايسته نيست.   
   
**ب. استفاده درست از ابزارهاى تبليغى** جهان اسلام براى موفقيت در دعوت دينى و گسترش فرهنگ اسلامى ابزارهاى مناسب و كارآمدى در اختيار دارد كه در صورت استفاده درست از آنها مى‏توان دين را به درستى به مردم شناساند و از عزت و حرمت مسلمانان دفاع كرد. و فرهنگ اسلامى را به عنوان برترين فرهنگ بر قله‏هاى جهانى نشاند. از جمله:   
 1. منبر: از ابزارهاى مهم تبليغى همه حوزه‏هاى جهان اسلام، منبر است. از گذشته تا كنون علماى اسلام، از فراز منبر با ارائه خطبه‏هاى نمازهاى جمعه و عيدين، به ارشاد و راهنمايى مردم پرداخته‏اند.   
 در ميان مذاهب اسلامى، خطيبان پر آوازه‏اى وجود داشته و دارند كه پژواك سخنان‏شان مرزهاى جغرافيائى را درنورديده و همه مسلمانان از آن استفاده كرده و مى‏كنند.   
 واعظ چرندابى از سخنوران برجسته تبريز بود كه درباره مسائل روز و انحرافات جامعه اسلامى سخنرانى مى‏كرد. وى با الازهر در ارتباط بود و با طنطاوى مفسر مشهور مصرى مكاتبه داشت. به گفته يكى از محققان:   
 »و حتى به جرأت مى‏توانم عرض كنم كه فتواى تاريخى مرحوم شيخ شلتوت درباره حقانيت مذهب شيعه، مقدارى تحت تاثير زحمات اين عالم بزرگوار بود كه با نامه‏هاى خودش مكتب شيعه را در دانشگاه الازهر معرفى كرد و تا اواخر عمرشان اين مكاتبات را ادامه دادند.«   
 28شيخ احمد وائلى عراقى، از خطباى مشهور عراقى بود كه سخنان وحدت بخش و شور آفرين وى در همه دنياى عرب شنونده داشت. امام خمينى وى را مدرسه سيار اهل بيت ناميده بود.   
 شيخ عبدالحميد كشك (1996 م) از خطيبان پر آوازه مصر بود29 وى با قرآن آشنا بود و در عدالت خواهى سرآمد واعظان مصر به شمار مى‏رفت. و با رژيم انور سادات و مبارك سخت مخالف بود.30 و در خطبه‏هاى جمعه و مجلس وعظ از وابستگى و زبونى رژيم مصر انتقاد مى‏كرد. به انقلاب اسلامى ايران عشق مى‏ورزيد.   
 در هنگامه هجوم عراق به ايران، به مردم آگاهى مى‏بخشيد و به آنان از همراهى با رژيم حاكم در حمايت از صدام هشدار مى‏داد.   
 اينان و بسيارى از واعظان نامور جهان اسلام، كه مجال ذكر نام آنان، يك به يك نيست، دعوت‏گران به وحدت اسلامى بوده و در هنگامه‏هاى فتنه به مردم آگاهى داده‏اند. اين وسيله سنتى پربار تبليغى بايد زنده نگه داشته شود و پيدايش ديگر ابزارهاى تبليغى، نبايد بهره‏بردارى از آن را كم‏رنگ كند. رهبر معظم انقلاب در حراست از اين ابزار مقدس تبليغى ابراز مى‏دارد:   
 »يك نكته ديگر در باب روحانيت اين است كه روحانيت، عرصه حضورش، عرصه زندگى مردم بود كه مظهر آن، عبارت بود از مسجد و محراب. آيا امروز روحانيت بايد عرصه حضورش را عوض كند؟ يعنى به جاى منبر و مسجد و محراب، مثلا برود سراغ اداره، تشكيلات، سازمان، راديو، تلويزيون؛ يعنى عرضه‏اى را كه در طول زمان در آنها حضور داشته با مردم مواجه بوده، رها كند و عرصه حضور خود را تبديل كند، يا نه از اين موقعيت استفاده كند و عرصه حضور خود را توسعه بدهد. مسجد را نبايد رها كرد. منبر موعظه و نصيحت را نبايد رها كرد. منتها در گذشته اين فضا محدود بود به محيط يك مسجد، امروز محيط تلويزيون هم به آن اضافه شده است، چه بهتر. محيط اداره و دستگاه نظام و دستگاه غير نظام به او اضافه شده، چه بهتر. اين را بايد رها كرد؟ اشتباه است اگر ما بشنويم، ببينيم كه مساجد از روحانيون خالى است، يا عالمى پيش نماز مسجد است و هميشه يك ساعت ديرتر از وقت به محل مى‏رسد، اين نبايد اتفاق بيفتد. مسجد پايگاه است. يك پايگاه اصلى است و مواجهه روياروى با مردم كه منبر ماست يك چيز بى نظير است و هيچ مواجهه تلويزيونى و راديويى و ماهواره‏اى و اينترنتى را نمى‏شود با اين مواجهه مقايسه كرد كه انسان بنشيند در مقابل مستمع چشم به چشم و نفس به نفس حرف بزند اين را نبايد از دست داد. «31   
 در مرتبه ديگر اين جايگاه معنوى تبليغى، بايسته است سامان بخشى و اصلاح شود و هماره بر غناى آن افزوده شود. پر جاذبه كردن منبر نيازمند مطالعه عميق و برنامه‏ريزى و مخاطب‏شناسى است. امامت جمعه از دشوارترين و پر مسؤوليت‏ترين وظايف است. خطيب جمعه موظف است مردم را به راه خدا بخواند و با دست و زبان آنان را هدايت كند و توده‏ها را در جريان مسائل دنياى اسلام قرار دهد خطيب جمعه شايسته است براى پر جاذبه و پر بار كردن خطبه‏ها، وقتهايى را اختصاص دهد و به مطالعه عميق و همه جانبه بپردازد و از مشاوران با اطلاع و مردم شناس خردمند و فرزانه و نقاد بهره گيرد و هماره با سازوكارى دقيق، مستقيم و غير مستقيم، از ناقدان دقيق انديش و آگاه، بخواهد خطبه‏هايش را نقد و ارزيابى كنند.   
 2. قلم: پس از منبر و خطابه، زبان قلم از رساترين زبانهاى تبليغى در جهان است و در جهان اسلام، نمود ويژه داشته و دارد. خداوند در قرآن به قلم سوگند ياد كرده و نوشته به عنوان نعمت معرفى شده است. از گذشته تا كنون، عالمان بزرگ مذاهب از زبان قلم در جهت معرفى اسلام استفاده كرده‏اند.   
 در ميان همه مذاهب اسلامى معاصر، نويسندگان فرزانه و متعهدى زندگى كرده و مى‏كنند كه نوشته‏هاى آنان چراغ هدايت بوده و به مثابه بارويى بر دشمنان اسلام راه بسته‏اند و در بحرانهاى فكرى و سياسى از اسلام و فرهنگ اسلامى پاسدارى كرده‏اند. عالمان برجسته‏اى مانند شيخ محمد عبده، شيخ عبدالمجيد سليم، دكتر محمد عبدالمنعم خفاجى32 شيخ محمود شلتوت، حسن البناء، مالك بن نبى، شيخ محمد مدنى، گروه نويسندگان مجله رسالة الاسلام، سيد قطب، ابوالاعلى مودودى، ابوالحسن ندوى، محمد دروزه فلسطينى، ابن عاشور، راشد الغنوشى، و عبدالفتاح عبدالمقصود، صبحى صالح، وهبة ذحيلى، محمد جواد بلاغى، شيخ عبدالكريم زنجانى، شيخ عبداللّه زنجانى، سيد هبة الدين شهرستانى، محمد حسين كاشف الغطاء، عبدالحسين آيتى، محمد جواد مغنيه، علامه طباطبائى، سيد محمود طالقانى، شهيد مطهرى، دكتر شريعتى، شهيد محمد باقر صدر، محمد تقى شريعتى، محمد تقى جعفرى، دكتر محمد صادقى تهرانى و... از آن جمله‏اند شايسته است آگاهان و فرهنگ شناسان نوشته‏هاى ارزنده اين بزرگان را به جامعه بشناسانند. و سخنهاى نغز و ژرف آنان را، در معرفى اسلام و قرآن و پاسخ به شبهه‏ها، به نسل نو معرفى كنند. با اين كار، افزون بر قدردانى از پيشكسوتان راه، رنج نسل معاصر حوزه نيز در تبليغ دين سبك مى‏شود.   
 نوشته‏هاى سيد قطب در نقد تمدن ليبراليسم غرب و نيز نقد مكتب ماركسيسم بسيار سودمند است و در حراست فكرى از نسل جوان مسلمان از سقوط فكرى در چندين دهه كارساز بوده است. همه متفكران جهان اسلام، به نقش بى نظير كتابهاى شهيد محمد باقر صدر در دفاع از اسلام، اذعان دارند.   
 شهيد صدر در شرايطى وارد ميدان فكرى شد كه موج الحاد دنياى اسلام را تهديد مى‏كرد. فقر و فساد و بى برنامگى و استبداد حكام كشورهاى اسلامى، راه را براى ايده‏ها، اهداف و شعارهاى كمونيستى و سوسياليستى، باز مى‏كرد. در اين هنگامه غبارانگيز، گروه گروه از جوانان مسلمان، به دامن احزاب الحادى فرو مى‏غلطيدند و در باور و فرهنگ و مذهب خود به ترديد مى‏افتادند. آماده نبودن حوزه‏ها براى رويارويى با اين فضاى جديد فرهنگى، سبب شده بود كه موجى از افكار التقاطى در دنياى اسلام پديدار شود و برخى از احزاب شيعى و غير شيعى اين تز را مطرح كنند كه در امور معنوى از اسلام، بايد الهام گرفت و در برنامه‏هاى اقتصادى ماركسيسم را شاقولِ حركت قرار داد. جامعه‏شناسى نامورى مانند دكتر على وردى شيعى به اين سو گرايش داشت.33   
 شيوه تبليغى گروه‏هاى افراطى، مانند التكفير و الهجره و سلفيان تندرو نيز، نه تنها كار فرهنگى را دشوار مى‏كرد كه بر دامنه بدبينى و تضاد ميان جامعه مى‏افزود.   
 شهيد صدر از شرايط موجود بر نسل جوان احساس خطر كرد. وى به جاى پيمودن راه‏هاى پيموده شده و يا بازنويسى تقريرات تحقيق شده طهارت و نماز، به سراغ راه‏هاى پيموده نشده و خاكريزهاى بدون سرباز رفت. در عرصه عقائد و فلسفه و اقتصاد، كه مهم‏ترين ميدان هجمه دشمن بود، به نقش آفرينى پرداخت. با مطالعه عميق كتابهاى ماركسيسم، آنها را عالمانه نقد كرد و عميق‏ترين و رساترين تفسير را از فلسفه و اقتصاد اسلامى ارائه داد كه طرح بانك بدون ربا، از آن جمله است.   
 جامعه اسلامى، بايد از زبان قلم پاسدارى كند، تا نويسندگانى بزرگ وارد عرصه جامعه شوند و با آثار فاخر خود نوشته‏هاى تكرارى، بى محتوا و تفرقه‏آميز را به حاشيه برانند و عرصه‏هايى را بيافرينند كه تنها متفكران بتوانند وارد شوند و هركس به خود جرأت ندهد كه وارد عرصه مقدس قلم بشود و با ترهات و مطالب سست و بى‏مايه و بُن قلم را از جايگاه مقدس خود فرود آورد. جامعه اسلامى نبايد چنان بى در و دروازه باشد كه هركس احساس تكليف كند و هرچه به نظرش آيد بنويسد و منتشر سازد و يا نوشتن مطالب سست و تفرقه‏آميز نسل جوان را به دين بدبين سازد. و يا بهانه‏اى براى تفرقه و فتنه‏انگيزى به دست دشمن دهد.   
 در جامعه اسلامى، نبايد هر كتابى به عنوان دين اجازه انتشار يابد. اسلام دين عقل و خرد است و نوشته‏هاى دينى بايد خردمندانه عرضه شود و بتواند مشكلى از فرهنگ دينى را بگشايد.   
 آيت اللّه مكارم شيرازى، در اجلاس سالانه جامعه مدرسين، سال 1378ه. ش. اين نكته مهم را يادآور شدند:   
 »هم اينك سالانه شانزده هزار جلد كتاب چاپ مى‏شود كه بايد افزون بر نظارت وزارت ارشاد، افرادى زير نظر خبرگان دينى بر اين كتابها نظارت داشته باشند؛ زيرا در روزهاى اخير كتابى با موضوع نبود تحريف در قرآن از سوى فردى كه خود را آيت اللّه العظمى مى‏نامد، نوشته شده است در حالى كه خود اين كتاب تحريف قرآن است و خوشبختانه مانع انتشار آن شدند. «34   
 3. پايگاه‏هاى تبليغى: نماز جمعه، ماه رمضان، نماز عيد فطر و قربان و مراسم حج از مناسبتهاى مهم تبليغى است كه مسلمانان در آن گرد مى‏آيند و خطيبان با استفاده از اين گردهماييهاى بزرگ، به ارشاد و راهنمائى مردم مى‏پردازند. و در كشورهاى اسلامى شيعى افزون بر مناسبتهاى ياد شده، مناسبتهاى فراوان ديگرى نيز وجود دارد كه واعظان و خطيبان، در جمع مردم حاضر مى‏شوند و به وعظ و خطابه مى‏پردازند. ايّام سوگوارى ائمه اطهار(ع) و حضرت زهرا(س)، در روزهاى جشن به مناسبت تولد ائمه اطهار و بويژه نيمه شعبان، مناسبتهاى عبادى مهم است كه مردم در آن گرد آمده و به صورت جمعى به نيايش مى‏پردازند. استفاده درست از اين مناسبتها مى‏تواند جامعه اسلامى را بيمه كند. استفاده درست از ظرفيت تبليغى حج مى‏تواند به بحرانهاى جامعه‏هاى اسلامى پايان بدهد. همه مصلحان بزرگ اسلام، بر اهميت شعائر حج و عمره و نقش تبليغى آنها تاكيد كرده‏اند. سيد جمال در اولين شماره عروه الوثقى در اين باره مى‏نويسد:   
 »لازم است مؤتمرى مركب از علما و نمايندگان بلاد اسلامى تشكيل گردد. و مركز آن نيز در مكه، ام القراى جهان اسلام باشد. آن جا محل حل مشكلات مسلمانان گردد و توجه افكار همه مسلمانان، معطوف بدان سو باشد«35   
 و امام خمينى اجتماعات دينى را از اثر گذارترين عامل انديشه سازى و بازسازى جامعه دينى شمرده است. در نظر امام، حج نه يك عمل صرف كه گردهمابى تمام عيار براى انجام مسائل عبادى تا بازگشت به هويت جمعى اسلامى و تصميم‏گيريهاى بزرگ بين الملل اسلامى است.36   
 اكنون دولت سعودى، بيش‏ترين بهره را از ايّام حج و عمره مى‏برد. در اين ايّام حجم بزرگى از كتابهاى نويسندگان وهّابى و وابسته، در ميان زائران منتشر مى‏شود.   
 دكتر عبداللّه بن احمد الزيد، معاون مطبوعاتى و انتشاراتى وزارت امور اسلامى و اوقاف و تبليغ و ارشاد سعودى مى‏گويد: از سال 1415 ه. ق. علاوه بر اهداى يك جلد كلام اللّه مجيد، بسته‏اى نيز به حاجيان داده مى‏شود كه حاوى مجموعه‏اى از كتابهاى ارشادى و مجموعه‏اى از نوارهاى اسلامى به زبان خود آنهاست. به طورى كه در موسم حج امسال، مجموعه آن چه كه در مرزهاى زمينى، هوايى و دريايى به حاجيان اهدا شده، بيش از شش ميليون نسخه كتاب و نوار بوده است.37   
 افزون بر آن، هزاران كتاب و جزوه در موسم حج و عمره در ميان زائران پخش مى‏شود.38   
 و بالاتر از آن در خطبه‏هاى عظيم جمعه در مكه و مدينه، سخنرانان براى مردم سخن مى‏گويند. و در طول سال در مسجدالحرام و مسجدالنبى، مجلس وعظ و خطابه برقرار است. متاسفانه بخش مهم اين كتابها و خطابه‏ها به جاى هدايت گرى و دعوت به همبستگى اسلامى و توجه به گرفتاريهاى امت اسلامى، گمراه گرو در جهت مبارزه با باورها و شعائر غير وهابى، بويژه شيعى، سامان دهى شده‏اند. خطيبان غير وهابى، حق استفاده از كرسيهاى خطابه حرمين شريفين را ندارند و هرگونه پخش كتاب از سوى ديگر گروه‏هاى اسلامى، مجازاتهاى بسيار شديدى را در پى دارد.   
 4. تشكيلات: پيام رسانى موفق در جهان امروز، بدون سازمان و تشكيلات ممكن نيست.   
 پيامبر(ص) از اين روش استفاده كرده است. بيش‏ترين اعزامهاى پيامبر(ص) گروهى انجام مى‏گرفت39 گروه مبلغان پيامبر، داراى برنامه و سرگروه بودند و هر يك از آنان وظيفه‏اى را انجام مى‏دادند. پس از آن در تاريخ اسلام مسلمانان از اين شيوه استفاده كرده‏اند كه نمونه‏هاى بسيار وجود دارد. از جمله در سده هفتم هجرى، علامه حلّى داراى برنامه تبليغى سيّار بود. در دوره سلطان محمد خدابنده پديده‏اى تازه در شيوه آموزش و روش تبليغ روى داد كه به تعبير تاريخ وصّاف، مدرسه سيّار نام داشته است. اين مدرسه، همراه اردوى سلطانى در سفرهاى ييلاقى و قشلاقى در حركت بود و به آموزش و تبليغ مى‏پرداخت. در اين مدرسه سيّار صندوقهاى كتاب، به همراه اردو حمل مى‏شد، تا در وقت نياز مدرسان و طالبان دانش به آن مراجعه كنند.40 در تاريخ معاصر، گروه‏هاى اسلامى گوناگونى نيز از روش تبليغ گروهى استفاده‏هاى شايانى كرده‏اند. احناف شبه قاره هند و نيز الازهر مصر، و اخوان المسلمين، از سازمان و تشكيلات در جهت پيشبرد مذهب خود استفاده كرده و مى‏كنند.   
 سيد جمال الدين در دوره اقامت در مصر براى پيشبرد دعوت دينى خود، انجمنى را پى ريخت. با همكارى شيخ محمد عبده، انجمنى از روحانيون و روشنفكران مصرى تشكيل داد. هدف اين انجمن كه از آن به محفل وطنى قاهره ياد شده، بازگشت به تعاليم قرآن بود. سيّد در يكى از خطابه‏هايى كه در انجمن ايراد كرد، از بى توجهى جامعه‏هاى اسلامى به قرآن و تنزل آن در حد فاتحه و ورد و تعويذ اظهار تاسف كرد و يادآور شد: بايد به قرآن بازگشت و تلاوت و عمل به قرآن را در جامعه اسلامى احياء كرد.   
 اعضاى انجمن كه در آغاز بر چهل نفر استوار بود، پيش از هر برنامه، موظف بودند بر گفتار و رفتار خود نظارت داشته باشند و از دائره اسلام كوچك‏ترين تخطى نكنند. هركس به فراخور خود هر روز معروفى را احيا و با منكرى بستيزد و بخشى از درآمد خود را در صندوق جمعيت واريز كند.   
 اين جمعيت افزون بر تلاوت روزانه يك حزب از قرآن، مواد 17 گانه‏اى را براى اعضاى خود معين كرد از جمله: اداى فرائض و نوافل، امر به معروف و نهى از منكر، دعوت به اسلام، گفت و گوى خردمندانه با مبلغان مسيحى، احسان به فقراء. قرار بر اين بود هركس بر كار خود نظارت و عملكرد روزانه خود را بنويسد. حوزه كارى اين هسته كوچك، به تدريج گسترش يافت. چنان كه افراد بسيارى خواستار عضويت در آن شدند و چهره شهر قاهره رنگ اسلامى گرفت و فضاى آن به امواج معنويت و صفا عطر آگين گرديد. سادگى و صلح و صفا و رفتار برادرانه اين گروه، قبطيان مصر را نيز مجذوب خود ساخت، تا آن جا كه استعمارگران غربى بر خود احساس وحشت كردند و براى پيش‏گيرى از نفوذ روز افزون آن به دست و پا افتادند. حتى مركز تبشير و تبليغات دينى انگلستان، كار خود را در برابر نفوذ اين انجمن ناچيز ديد:   
 »يكى از دعاة نصاراى قاهره در راپورت خود به يكى از اعضاء انجمن كنيسه (سان پول) كه بزرگ‏ترين كنائس دنياست در لندن مى‏گويد: در دار خيال هيچ امرى از اين واقعه عجيب‏تر رخ نداده كه هفتصد ميليون اولاد انجيل با كمال علميت و اقتدار و غيرت كه درخور طبيعت بشر است، در برابر چهل نفر كه در حقيقت، روح يك سيد درويش ايرانى بيش نيست، مقهور گرديد.«   
 انگليسيها كه فعاليت اين انجمن را زير نظر داشتند، از سرعت و فراگيرى آن به وحشت افتاده بودند، چنانكه در يكى از گزارشها آمده است:   
 »حزب وطنى مصر، اول يك تن سيّد درويش ايرانى بيش نبود. بعد شيخ محمد عبده را جذب كرد، رفته رفته به چهل نفر و الان عمليات آنها در مدت نه ماه، بيست هزار و يكصد و هشتاد و يك نفر با سرمايه يك كمپانى معتبرى از تجارت خانه‏هاى اروپ تصاعد نموده. بديهى است اگر هر ماهه يك نفر زايش مثل خود نمايد، به بيست سال نخواهد كشيد كه صفحه پشت و روى كره كم‏ترين ميدان جولان آنها خواهد شد.«41   
   
**تبليغ تشكيلاتى اخوان المسلمين** جنبش اخوان المسلمين از متشكل‏ترين سازمانهاى تبليغى اسلامى جهان اسلام است. اين جنبش در سال 1307 ش، در اوج هجوم غرب براى استحاله دنياى عرب و اسلام، در اسكندريه مصر پا به زندگى گذاشت. بنيان‏گذار آن حسن البنا (1324 ق - 1314 ش) از روحانيون و معلمان مصر بود. البنا درصدد برآمد در مقابل موج دين ستيزى يك موج تازه‏اى از ديانت سامان دهد. او به دنبال راهى براى بازگشت به اسلام و فهم علل جدايى مسلمانان از تعاليم دين بود و معتقد بود، انجمنهايى مثل حصافيه و انجمن تعالى روح، كه در قاهره با آن آشنا شده بود، در اين راه ناكارآمد و ناتوان‏اند42 وى از گسست نسل جوان و دانشجويان از فرهنگ دينى خويش، نگران بود و بر اين باور بود كه آينده هر ملّت و هر مكتب در دست نسل جوان، طلاب، دانشجويان و روشنفكران قرار دارد؛ لذا عمده تلاشهاى خود را متوجّه اين گروه‏هاى اجتماعى كرد. البناء بر آن بود همان طور كه كادر انقلابى در انقلابهاى سوسياليستى از ميان طبقه كارگر بر مى‏خيزد، در انقلاب اسلامى نيز، مستضعفان بايد اين امانت را بر دوش گيرند. البنّا از روش توده‏اى و امت براى جذب اعضا استفاده مى‏كرد.43 برخى از نوشته‏هاى تعليمى و تبليغى حسن البنا عبارت است از: و السلام فى الاسلام، رسالة التعاليم، رسالة الجهاد، دعوتنا فى طور جديد، بين الامس و اليوم، الرسائل الثلاث، دعوتنا الى أى شى‏ء ندعو الناس، نحن الإخوان المسلمون، تحت راية القرآن، مشكلاتنا فى ضوء النظام الإسلام، العقائد، المناجاة المأثورات، احاديث الجمعه، الدعوة و الداعية44 او در دعوت دينى مستقيماً به سراغ توده‏هاى جامعه رفت: راننده، باغبان، درشكه چى. البته خود او از تحصيلات عميق اسلامى برخوردار بود و تجربه كار تشكيلاتى نيز در جنبش »الاخوان الحصافيه« هم داشت كه داراى رويه‏اى اصلاح طلبانه بود.   
 اخوان المسلمين، كم‏تر از 5 سال پس از آغاز فعاليت در بيش از 20 شهر مصر شعبه‏هايى تشكيل داد و چندين مركز تبليغ دينى را به وجود آورد. در اين سالها، انگليس بر مصر چيره بود و فؤاد پاشا، دست نشانده انگليسيها مشكلات فراوانى را سر راه حسن البنا و جمعيت او ايجاد كرده بود. اصول انديشه حسن البنا عبارت‏اند از:   
 1. پرهيز از جدالهاى فرقه‏اى بود. وى در پى اين هدف از آغاز بنيان گذارى جماعت تقريب بين مذاهب اسلامى، از سوى شيخ محمد تقى قمى، با همه توان با آن همكارى كرد و در گسترش آن كوشيد. البنا، تلاش كرد با علماى فرزانه و دورانديش شيعه نيز رابطه فكرى برقرار كند و از توان فكرى و عملياتى آنان در پيشبرد اهدافش بهره برد. از اين روى، با شهيد نوّاب صفوى، به سال 1954 م در مصر ديدار كرد و درباره مسائل جهان اسلام به گفت و گو نشست45 نواب از افكار بلند حسن البنّا درباره جهان اسلام ستايش مى‏كرد و به سفارش وى، يكى از مقاله‏هاى البنا، درباره فرهنگ اسلامى، ترجمه و در يكى از نشريه‏هاى ايران منتشر گرديد.46 و نيز حسن البنّا در يكى از سفرهاى حج خود با آيت اللّه بهاءالدين محلاتى از علماى شيراز، ديدار و با وى درباره جهان اسلام گفت و گو كرد.47   
 حسن البناء در مراسم حج 1948 ه. ق با آيت اللّه كاشانى ديدار و گفت وگو كرد. شمارى از دانشجويان شيعه كه در مصر تحصيل مى‏كردند، به جنبش اخوان المسلمين پيوستند.48   
 2. سياست گام به گام. در نگاه وى، جنبش، قبل از آن كه به هدف غايى خودش برسد، بايد مراحل تبليغ، بيان و تفسير، عمل و نتيجه‏گيرى را گام به گام طى كند.49   
 3. استفاده از نيروهاى مختلف براى رسيدن به هدف   
 4. برپايى حكومت اسلامى: اخوان المسلمين، اعلان كرد حكومت را براى خود نمى‏خواهد، بلكه حامى كسانى است كه بتوانند مسؤوليت حكومت را بر عهده بگيرند و قوانين قرآن را اجرا كنند و اگر چنين فردى پيدا نشد، تشكيل حكومت يكى از برنامه‏هاى اخوان المسلمين خواهد بود.   
 5. مقاومت در برابر تجاوزگران.   
 6. اعتقاد به تجديد خلافت، به عنوان مظهر وحدت اسلامى.50   
   
**تشكيلات تبليغى مدرسة الواعظين** در اين مدرسه از آغاز، مكان آموزشى - تبليغى مدرسه‏اى ويژه براى وعظ و تبليغ تاسيس شد و در آن مواد آموزشى مورد نياز مبلغان آموزش داده مى‏شد. در يكى از گزارشهاى مربوط به اسلام در هند درباره اين مدرسه آمده است:   
 »و از ديگر خدمات مسلمين هند به اسلام، تاسيس مدرسة الواعظين است. اين مدرسه در هفت سال قبل در تحت رياست نجم الحسن، كه مرجع تقليد شيعه هندى است، تشكيل گرديد و راجه محمود آباد بر خلاف غالب بزرگان ايران، همت نمود و يك قسمت از عايدات املاك خود را وقف اين مدرسه فرمود و اين موسسه دو كار مهم را عهده‏دار شده است: يكى تبليغ اسلام و ديگر تربيت مبلغ براى تبليغ نمودن. و دوره تحصيل مبلغ در آن مدرسه پنج سال است كه پس از آن كه تحصيلات خود را از فرا گرفتن دلائل عقلى و نقلى و حلى و الزامى به اتمام رسانيد، به خرج همان مؤسسه براى تبليغ اسلامى به اقليمى مأمور مى‏شود. چنانكه فعلاً آن مبلغان در تمام هندوستان منتشرند و در دو سه نقطه آفريقا نيز براى تبليغ رهسپار شده‏اند و به علاوه، اين مؤسسه به السنه مختلفه اروپايى تأليف كتب نافعه نموده و اكنون قرآن را به زبان انگليسى ترجمه مى‏كنند و اينك اين مؤسسه دو مجله ماهيانه بيرون مى‏دهد، يكى به اسم الواعظ كه در زبان اردو است و ديگرى فحص الاسلام ReviewMoslim در زبان انگليسى است.   
 و ما شايد شرح وافى‏ترى در اين خصوص در جلد سوم بنگاريم و فقط چيزى را كه در اين مورد تذكر مى‏دهم آن است كه اگر اين گونه خدمات موجب تحبيب و تاليف و اتحاد شود مقبول و مستحسن و اگر باعث تفريق و اختلاف گردد مردود و بر خلاف رضاى صاحب اسلام خواهد بود.«51   
 اين مدرسه مورد تاييد ديگر حوزه‏هاى شيعه قرار گرفت. و بازتاب مثبت آن در ايران بيش از ديگر نقاط بود. علماى ديگر مناطق به تبعيت از آن به تأسيس مدارس ويژه دست زدند.   
   
**تشكيلات تبليغى فتح اللّه گولن در تركيه** از جنبشهاى تبليغ تشكيلاتى قابل مطالعه جهان اسلام، حركت بزرگ علمى و تبليغى فتح اللّه گولن در تركيه است. وى از روشنفكران ترك تبار مسلمان (1941 م) و از پيروان طريقت ملا سعيد نورسى، ملقب به بديع الزمان (1339 ق)52 است كه زندگى خود را در خدمت آموزشهاى علمى دينى با تفكرات دينى اجتماعى ويژه خود53 به كار گرفته است. نورسى‏ها از مبلغان مذهبى در سده اخير بودند كه در مبارزه با لائيك نقش آفرين بودند. آنان از دو راه تبليغ مى‏كردند: ساخت مدرسه، كودكستان، دبيرستان و ديگر تبليغ خانه به خانه. سلسله مدارس بزرگ امام خطيب در تركيه از كارهاى اين گروه است. مدرسه‏هاى امام خطيب از سال 1949 م. به هدف تربيت پيشنماز و خطباى دينى دولتى در تركيه شروع به فعاليت كرد. دوره آن چهار سال است و در اين دوره چهار ساله، علوم دينى از ادبيات عرب و تفسير و فن سخنورى تدريس مى‏شود. در تعبيرى نورسى را بايد از پيشگامان طرح وحدت حوزه و دانشگاه شمرد. وى براى جامه عمل پوشاندن به اهدافِ تبليغى خود، نخستين بار طرح دانشگاه الزهراء را مطرح كرد.54   
 فتح اللّه گولن در ادامه كار گروه نورسى‏ها بر آن است كه بايد از راه علم به دين خدمت كرد. و شعار وى مبارزه عليه جهالت است. در حال حاضر گولن حدود هزار مدرسه، چندين دانشگاه، ده‏ها روزنامه و شبكه تلويزيونى در جهان راه اندازى كرده است و نمادهاى فرهنگى تركيه را با محوريت اسلام و تركيه ترويج مى‏كند. روزنامه زمان وابسته به اين گروه يك ميليون تيراژ دارد.55   
 مدارس گولن افزون بر تركيه در 52 كشور، از جمله در جمهورى آذربايجان فعال است. در تركيه معروف است كه نجم الدين اربكان و رجب اردوغان از هواداران اين تشكيلات‏اند.   
   
**تشكيلات تبليغى جامعه تعليمات اسلامى** جامعه تعليمات اسلامى از نمونه تبليغات موفق و تشكيلاتى حوزه‏هاى شيعه است. بنيان گذار آن شيخ عباسعلى اسلامى (1275 - 1364 ش) از عالمان خدمت گزار معاصر و از شاگردان سيد ابوالحسن اصفهانى است56 اسلامى از عالمان كوشا و در صحنه بود. با آيت اللّه كاشانى همراهى مى‏كرد. در دوران مبارزه و نهضت بزرگ اسلامى در كنار امام بود57 اسلامى از پيشتازان تبليغ دين در عرصه بين الملل به شمار مى‏رود. وى افزون بر خطابه و منبر در شهرهاى گوناگون ايران، براى رساندن پيام دين به كشورهاى پاكستان، هند، چين،58 برمه59 (رانگون) عراق، مصر،60 عربستان و... سفر كرد و در شهرهاى گوناگون اين كشورها، به شناساندن دين اسلام و پيام آن پرداخت. وى در اين گشت و گذارها، از عالمان و مراكز فرهنگى، مدارس ممتاز و حركت آفرين، مدارس حفظ قرآن، كتابخانه‏هاى نمونه، بيمارستانها و ... ديدن كرد و با تجارب فرزانگان اين كشورها در حوزه الفت آفرينى و وحدت اسلامى61 آموزش و تبليغ و خدمت رسانى آشنا شد.62 از جمله برنامه‏هاى مدرسة الواعظين هند، به مديريت نجم الحسن بر وى تاثير بسزا داشت. و نمونه آن را به نام جامعه تعليمات اسلامى در ايران بنيان گذارد.63 بنيان گذارى نزديك به دويست مدرسه دخترانه و پسرانه به روش نوين، بنيان گذارى ده‏ها كتابخانه و بيش از پنجاه و هفت مسجد در شهرهاى گوناگون ايران در روزگار فتنه خيز پهلوى براى نونهالان از جمله خدمتهاى اين عالم خدمت گزار بوده است.64   
   
**تبليغ تشكيلاتى دارالتبليغ اسلامى** و نيز دارالتبليغ اسلامى در حوزه علميه قم از نمونه‏هاى كارآمد و اثرگذار تبليغات تشكيلاتى در پيش از انقلاب به شمار مى‏آيند كه با كنار گذاشتن نقطه‏هاى ضعف و گرفتن نقطه‏هاى قوت آن، براى هميشه مى‏تواند الگو باشد.   
   
**تبليغ تشكيلاتى دفتر تبليغات اسلامى** حوزه، پس از انقلاب اسلامى، به امر تبليغ، به گونه تشكيلاتى و برنامه ريزى شده روى آورد كه نمونه‏هايى مى‏توان ارائه داد. از جمله، تاسيس دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم به سال 1358 بود. اين نهاد برآمده از انقلاب اسلامى، زير نظر نهاد رهبرى كار خويش را آغاز كرد. از آغاز انقلاب، رايت دفاع از انقلاب اسلامى و اسلام انقلابى را بر دوش گرفت و در عرصه‏هاى گوناگون تبليغى و سازماندهى امور تبليغى و زير چتر گرفتن جاى جاى كشور اسلامى، خوش درخشيد. در مصاف فكرى با گروهكها و روشنگرى مردم نسبت به مواضع عزت آفرين امام، كارنامه‏اى بس درخشان از خود به جاى گذارده است كه برشمارى يك يك آنها در اين مقال نمى‏گنجد. برجسته‏ترين فراز كارنامه دفتر تبليغات حوزه، مهيا سازى و اعزام مبلغان رزمى - تبليغى به جبهه و آوردگاه دفاع مقدس بود. دفتر تبليغات در هنگامه حساس، با كم‏ترين نيرو و با اين كه در آغاز راه بود، بيش‏ترين و روشن‏ترين نقش را آفريد. اين نهاد نوبنياد با هماهنگى سازمان تبليغات اسلامى (كه آن هم نهاد تشكيلاتى و نقش آفرين در عرصه‏هاى گوناگون بوده و هست) طلاب و فضلاى حوزه را گزينش كرده و آنان را به مساجد و تكيه‏ها، شهرهاى جنگ زده و مناطق نزديك به صحنه نبرد، پادگانها، پاسگاه‏ها، قرارگاه‏ها، و جبهه‏ها و پشت جبهه‏هاى دفاع مقدس اعزام مى‏كرد.   
 اين سربازان رزمى - تبليغى باورها و احكام و شرائع دين را براى رزمندگان اسلام تشريح مى‏كردند و در هنگامه نبرد با خواندن آيات جهاد، مبانى فكرى آنان را تقويت كرده و شوق رزمندگان اسلام را براى دفاع از ام القراى اسلام، دو چندان كرده و با برگذار كردن مراسم دعا و نيايش به تقويت روحى آنان مى‏پرداختند.   
 طلاب و  روحانيان آگاه، با حضور عينى در صحنه‏هاى نبرد و مواظبت بر اصول و ارزشهاى دينى جنگ، مانع از آن شدند كه دفاع مقدس و مشروع به بيراهه كشيده شود و رنگ غير اسلامى به خود بگيرد. اين همه آثار با بركت، پيامد همين حضور تبليغى روحانيت در جبهه‏هاى نبرد است. بخش بزرگى از شهداى روحانيت در دفاع مقدس، كسانى هستند كه با هماهنگى اين نهاد به جبهه اعزام شده‏اند.   
 دفتر تبليغات اسلامى، در سالهاى نخستين، بيش‏تر به اعزام مبلغان كار آزموده به شهرها و روستا همت مى‏گمارد. اما امروزه حوزه‏هاى تبليغى جديد و بس گسترده‏اى را در چشم انداز خود دارد و برهه به برهه بر گستره آن افزوده مى‏شود و دفتر تبليغات اسلامى تواناييهاى خود را با تكيه بر نخبگان حوزوى جلوه‏گر مى‏سازد. ايجاد دوره‏هاى آموزشى و تخصصى مبلغان، طرح بلاغ، طرح هجرت، امور نشر و توليد و توزيع نشريه و كتاب، تبليغ الكترونيكى، سازماندهى به پرسشهاى دينى، تبليغ چهره به چهره، گروه بشيران جوان، دوره‏هاى دانش افزائى مداحان، رشته پاسخ گويى به پرسشهاى دينى، دانشكده باقرالعلوم، مركز ملى پاسخ گويى به پرسشهاى دينى و... بخشهايى از نمود تواناييهاى اين نهاد تبليغى حوزوى است.   
 سازمان تبليغات اسلامى نيز از نهادهاى تبليغى تشكيلاتى است كه با سازماندهى ويژه در عرصه‏هاى پيام رسانى دينى، نقش آفرينى مى‏كند. در دوران جنگ تحميلى، نقش ممتازى را در اعزام و پخش نيروها در جاى جاى عرصه دفاع بر عهده داشت و كارآمدى خود را به روشنى نماياند.   
 5. ارج گذارى افراد و جريانهاى وحدت گرا: از راهكارهاى تبليغ دينى اثرگذار ديگر تجليل و قدردانى از جريانهاى وحدت گراست. در دنياى اسلام، كسان و جريانهاى قدرت مندى وجود داشته كه منافع حزبى و يا قومى خود را فداى اسلام كرده و به دور از هرگونه فرقه گرايى، براى اسلام كوشيده‏اند. ارج گذاشتن به افتخار آفرينان و مشعلدارانى كه با بينش و دانش خود، راه حقيقت را در شبهاى ديجور براى رهروان روشن ساخته و با موضع گيريهاى بهنگام و دقيق، فتنه‏ها را از راه برداشتند، افزون بر شكر نعمت و حق‏شناسى، انسان ساز است و تعهد آفرين و نشانه شخصيت و بزرگ منشى يك ملت:   
 »اظهار قدردانى و حرمت در حق مردان نامور و صاحبان فضل و هنر در ميان يك ملت، از يك طرف نام و نشان و عظمت مدنى آن ملت را از محو شدن نگه مى‏دارد و او را در نظر تاريخ و اهل تحقيق بزرگ مى‏نمايد و از طرف ديگر براى افراد نسل حاضر و نژاد آينده مايه تشويق و سربلندى و وسيله پرورش دادن حس غرور و قوه اراده مى‏گردد«65   
 6. رفتارهاى عاطفى: رفتارهاى عاطفى امت اسلامى با خود و ديگران از اثرگذارترين راه‏هاى دعوت دينى و شناخت اسلام است. بيش‏ترين كسانى كه در گذشته به آيين اسلام گرويده‏اند، نتيجه رفتار نيك و انسانى مسلمانان با ديگر اقوام بوده است. اين دفتر امروزه گشوده است. على رغم همه تبليغات جهانى عليه اسلام، پيامهاى خردمندانه قرآن به همراه رفتارهاى عاطفى مسلمانان با ديگران، موج بلندى از گرايش و علاقه مردمان حقيقت جو، به آيين اسلام، ديده مى‏شود. بسيارى از جامعه شناسان و صاحب نظران، گفته‏اند علت روى آورى و گرايش بى سابقه گرايش زنان اروپايى، بويژه در آلمان66 و اسپانيا به اسلام در دهه‏هاى اخير، پيوندهاى مهرورزانه مسلمانان با همسران خويش است.   
 مهرورزيهاى علامه امين، سيد شرف الدين عاملى، امام موسى صدر با اهل سنت و علويان لبنان و سوريه، بسيار كارگر افتاد و اثر بخشيد و جايگاه شيعه را بالا برد كه اكنون، بيش از پيش مى‏توان دستاورهاى زيبا و باشكوه آن را ديد. علامه سيد محسن امين از عالمان برجسته لبنان و سوريه بود. وى با اقامت در شام توانست ميان مردم الفت بخشد و بخش بزرگى از مشكلات ارتباطى ميان شيعيان و علويان و ديگر مذاهب را برطرف سازد. خير خواهى و حسن نيت اين عالم فرزانه سبب شد كه پيروان همه مذاهب اسلامى به وى علاقه نشان دهند. و در نماز جماعت‏اش شركت كرده و از مواعظ و رهنمودهاى او بهره برند. مسلمانان از ديگر مذاهب، از آن بزرگوار دعوت مى‏كردند كه بر مردگان‏شان نماز بگزارد. همه مسلمان، از هر فرقه و مذهب، به وى اقتدا مى‏كردند. و اين همه، مديون رفتار پيامبرانه اين علوى فرزانه با ديگر مسلمانان بود.   
 »يكى از بزرگان نقل مى‏كند: مرحوم آيت اللّه سيد محسن امين عاملى را در تشييع جنازه يكى از بزرگان علماى سنى، در بازار حميده شام ديدم، با سرعت به سويش رفتم. چون به مسجد اموى رسيديم مسجد پر از جمعيت شد. مرحوم آيت اللّه سيد محسن، بر آن جنازه نماز خواند پس از نماز ديدم مردم دست سيّد را مى‏بوسند. من تعجب كردم كه اين سنيها دست يك عالم شيعى را مى‏بوسند. از سيد علت را پرسيدم. او فرمود: اين نتيجه ده سال خوشرفتارى است. گفتم كدام خوشرفتارى؟ فرمود: وقتى كه من به شام آمدم، بعضى از نادانها سخت‏ترين دشمنان را بر من شوراندند، به طورى كه هر وقت به خيابان مى‏رفتم به فرزندان خود دستور مى‏دادند به من سنگ بزنند و بعضى اوقات، عمامه‏ام را از عقب مى‏كشيدند. من بر همه آزارها صبر كردم و با آنها خوش رفتارى كردم. در تشييع جنازه ايشان شركت كردم، به عيادت مريض ايشان رفتم، جوياى احوال‏شان مى‏شدم، تا اين كه دشمنى به دوستى مبدل شد«67   
 خدمت رسان،ى بنيان گذارى مدرسه، درمانگاه، دارالايتام، رسيدگى به زلزله زدگان، سيل زدگان، كمك به محرومان و مستضعفان و... از راه‏هاى مهم پيوندهاى مهرورزانه علماى شيعه با مردم در دورانهاى گوناگون بوده است. بى گمان مى‏توان گفت: سهم مهمى از پديدآورى زمينه دعوت دينى براى مكتب اهل بيت در جهان، از آنِ خدمت رسانيهاى بى شائبه علماى بزرگ شيعه و پيروان راستين آنان، بويژه ايرانيان انسان دوست، به مسلمانان جهان است.   
 به سال 1288 ق قحطى و خشكسالىِ دامنه دارى عراق و ايران را فرا گرفت و شرايط اقتصادى شهر نجف در اين ميان، از همه دشوارتر بود. ميرزاى شيرازى و شاگردان ايشان، با برنامه‏اى منظم، همه مردم را زير پوشش گرفتند و به همه مستمندان كمك رساندند،68 تا رفاه به سراغ مردم آمد. اين حركت خالصانه اين عالم بزرگ، جايگاه معنوى و اجتماعى حوزه و ميرزا را در نظر مردم دو چندان كرد و بر نفوذ كلام ميرزا در جامعه افزود.   
 در نخستين سال استقلال پاكستان، سال 1326ش/1947م، مردم اين كشور نوبنياد با درد و رنجهاى گوناگونى روبه رو شدند. بى خانمانى و مهاجرت، قتل و غارت مهاجران به دست گروه‏هاى تندرو هندو، سيلاب سرازير شده از هيماليا، همه و همه، دست به دست هم داد و مردم را در باتلاق درد و رنج فرو برد. در اين بلاى خانمان سوز، مهم‏ترين يارى رسانيهاى به مردم پاكستان، از سوى علما و مردم ايران انجام گرفت، آيت اللّه كاشانى و آيت اللّه طالقانى (1358 ش. ) مردم ايران را براى كمك به مردم پاكستان بسيج كردند. مردم، با كمكهاى بى دريغ خود بر دلهاى مجروح آوارگان پاكستانى مرهم نهادند.   
 آيت اللّه طالقانى در مورخه 1349/9/10 نيز، با گردآورى اعانه، به كمك مردم فلسطين و زلزله زدگان پاكستانى شتافت69 و پس از انقلاب اسلامى حضور ملت ايران در عرصه‏هاى گوناگون خدمت‏گزارى و امدادرسانى به جهانيان، و مردمان آسيب‏ديده از جنگ، سيل و زلزله، شكوهو جلوه‏اى خاص داشت است و بس اثرگذار و تحول‏آفرين كه در اين مجال نمى‏توان زواياى آن را ترسيم كرد. در روزهاى سخت و خونبار مردم فلسطين، بوسنى و لبنان، ملت ايران، به فرمان رهبرى و علماى بزرگ، به ميدان آمدند و بى دريغ و در حد توان به آنان يارى رساندند. خداوند اين بذرهاى خالصانه را به بار نشاند و امروز جهان اسلام، شاهد رويكردى نو به مكتب اهل بيت است.   
 رفتار مهرورزانه شيعيان با ديگران: به شهادت تاريخ شيعيان در طول تاريخ، مهم‏ترين پناهگاه مسلمانان بوده‏اند. در هنگامه در خطر قرار گرفتن اسلام و مسلمانان، با دست برداشتن از منافع صنفى خود، به سود جهان اسلام وارد عمل شده‏اند و در اين راه خسارتهاى بزرگى به آنان رسيده است. اندونزى از سرزمينهاى شيعه نشين بوده است. در جريان هجوم هلند به اندونزى، شيعيان همه توان خود را براى مقابله با استعمار به كار گرفتند و افزون بر شهادت هزاران نفر از شيعيان، صدها نفر از علماى بزرگ شيعه شهيد و تبعيد شدند. و اين مقابله، به از ميان رفتن قدرت و مركزيت شيعه در اين كشور پر جمعيت انجاميد.   
 پيروان اهل بيت توانستند با خون خود از مسيحى كردن اين كشور بزرگ اسلامى، پيش‏گيرى كنند70 در جريان هجوم بريتانيا به دولت عثمانى، در آغاز سده اخير، عربهاى حنبلى مذهب حجاز با همه توان جنگى با دولت عثمانى درگير شدند و نيروى آن را تحليل بردند. قبايل حنفى مذهب عراق، مانند قبيله بزرگ عنزه، و دليم71 راه را بر نيروهاى بريتانيا باز كردند. در حالى كه شيعيان به رهبرى مراجع شيعه نجف و كربلا، به يارى دولت حنفى مذهب عثمانى برخاستند و با همه وجود، در جبهه‏هاى نبرد شركت كرده و صدها نفر مردم و طلاب نجف در اين راه به شهادت رسيدند. اين جوانمردى و حركت بزرگ و شكوه مندانه، شگفتى و تحسين تحليل گران متفكر غير شيعه را برانگيخته است.72   
 و يا در حالى كه تندروان ديگر مذاهب در عراق، بارها به مساجد و مشاهد مشرفه شيعه هجوم برده و مراكز مورد احترام آنان را ويران كرده‏اند، شيعيان عراق از مزارها و مساجد ديگر فرق پاسدارى كرده و مى‏كنند.   
 شيخ عبدالحسين تهرانى، از عالمان بزرگ و نامور شيعه، در دوره اميركبير، در راه همبستگى مذاهب اسلامى در عراق و ايران گامهاى بلندى برداشت.   
 وى وكيل و نماينده اميركبير بود. در جريان بازسازى حرم موسى بن جعفر، مزار ابوحنيفه را نيز بازسازى كرد. از طلاهاى اهدايى اميركبير براى به كارگيرى در گنبدها و گلدسته‏هاى مزارهاى شريف ائمه(ع) و اهل بيت، در ساخت گلدسته‏هاى مزار ابوحنيفه نيز استفاده برد.73   
 در كشتار هولناك زائران عراقى در انفجار پل كاظميه در 1384/6/9 و نيز در هنگام انفجار حرم عسكريين در سامرا، 84/12/3 بيم آن بود كه همان دستهاى آلوده جمعيت را براى ويران ساختن مزار ابوحنيفه، به كوى اعظميه بغداد بكشانند كه مراجع شيعه، به سرعت دست به كار شدند و با آگاهى بخشى بهنگام، مانع از رفتن شيعيان خشمگين به آن سو شده و نقشه شوم دشمنان اسلام و اسلاميان را نقش بر آب كردند.   
 پيوندهاى مهرورزانه جمهورى اسلامى با جهان اسلام: نهضت بيدارگرانه انقلاب اسلامى ايران به رهبرى امام خمينى، با پرهيز از فرقه گرايى نداى بازگشت به اسلام اصيل و ناب محمدى را مطرح كرد. همبستگى همه مذاهب اسلامى را در دستور كار قرار داد. همه پيروان مذاهب گوناگون اسلامى را به گفت و گو نشاند. جمهورى اسلامى با تعامل با جهان اسلام و مظلومان مسلمان توانست پرچم اسلام را بر بلندترين قله‏هاى جهان بر افرازد. و زمينه جهانى شدن اسلام را در دنيا به وجود آورد. بنيان گذارى تقريب بين مذاهب اسلامى، روز جهانى قدس، كنفرانسهاى وحدت مذاهب اسلامى، ايجاد دانشگاه مذاهب اسلامى، جامعة المصطفى، دانشگاه بين الملل امام خمينى، و ده‏ها بنياد بين المللى اسلامى ديگر، همه گواه صداقت جمهورى اسلامى در راه همبستگى مسلمانان است. حقيقتى كه پاپ بنديكت شانزدهم، در سندى كه در واتيكان منتشر شد، از آن تحت عنوان شعار جهانى اسلام، تنها راه حل، اظهار نگرانى كرد و به تبع آن آينده‏اى مبهم براى مسيحيان خاورميانه پيش بينى كرد.   
 بيش‏ترين ستمى كه امروزه از ناحيه استكبار جهانى بر مردم مسلمان ايران مى‏رود، نتيجه جهان نگرى و توجه آنان به مشكلات جهان اسلام است. حركت مثبت و به ثمر نشسته‏اى كه دگر انديشان بر آن‏اند آن را منفى و شكست خورده جلوه دهند.   
 پيامدهاى رويكرد مهرورزانه شيعيان به جهان اسلام: نگاه مثبت و حمايت‏گرانه جمهورى اسلامى به جهان اسلام، دو نتيجه مستقيم داشته است: نخست كمك به خيزش بزرگ جهان اسلام براى بازگشت به اسلام و آزادى قدس شريف كه نتيجه آن در بالكان و بوسنى و هرزوگوين، لبنان و غزه آشكار شد.   
 و ديگر رويكرد شوق‏انگيز و رو به گسترش امت اسلام براى آشنايى با مكتب اهل بيت.   
 امروزه، بيش از هميشه باروهاى جهالت و تكفير بين امت اسلامى در حال فرو ريختن است. و جوانان و تحصيل كردگان در تلاش‏اند بيش از پيش با معارف اهل بيت آشنا شوند؛ زيرا دريافته‏اند: عالمان بزرگ شيعه به جاى دامن زدن به مسائل فرقه‏اى در پى هويت اسلامى امت اسلام‏اند. مكتب شيعه به عنوان قوى‏ترين فكر و ايده در جهان اسلام طرح شده و على رغم تبليغات گروه‏هاى مختلف مخالف، تشيع به عنوان يك فكر، با منطق قوى، فرهنگ غنى مطرح شده است؛ از اين روى در تركيه، آثار دانشمندان و نويسندگان بزرگ شيعه ترجمه و نشر مى‏شود.74   
 و يا در مصر، كه در گذشته آثارى از تشيع در ميان نبود، امروزه در مراسم جشنهاى ولادت امام حسين، ميليونها نفر در مسجد رأس الحسين و زينبيه قاهره گرد مى‏آيند و هر روز بر شمار هواداران اهل بيت در اين كشور افزوده مى‏شود.   
 و يا در فلسطين كه تا ديروز اهل بيت در ميان مردمان آن ديار گمنام بودند، امروزه جوانان رزمنده آن با نام حسين و كربلا به مقابله با اسرائيل مى‏روند. و مظلوميت فلسطين را به مظلوميت اهل بيت تشبيه مى‏كنند.75   
 7. ديگر تجربه‏هاى تبليغى جهان اسلام: افزون بر آن چه ياد شد. مذاهب و جمعيت‏هاى اسلامى گاه درباره دعوت دينى تجربه‏هاى پر ارزش ويژه‏اى دارند كه براى همه دعوت‏گران دينى درخور استفاده است.   
 روش‏هاى تبليغى الازهر:   
 دانشگاه الازهر مصر، كانونى است جامع و در پيوند علوم حوزه‏هاى قديم و دانشهاى جديد. اين كانون هزار ساله كه به وسيله پيروان اهل بيت، به سال 359 پى افكنده شد،76 در سده‏هاى اخير در حوزه تبليغ دينى دستاوردهاى شايانى داشته كه براى ديگران درخور بهره‏بردارى است.   
 آشنايى دانش آموختگان الازهر با دانشهايى مانند جامعه‏شناسى، روان‏شناسى، و ديگر علوم انسانى از روشهاى سودمندى بوده كه مبلغان الازهر را در كار خود موفق گردانيده و توانسته‏اند در مناطق گوناگون، اثرگذار باشند. يكى از زير مجموعه‏هاى الازهر هيأت مديره كل دعوت و تبليغات اسلامى است. اين هيأت از نمايندگان نهادهاى حوزوى و كشورى كه در كار تبليغ دين سهمى بر عهده دارند، تشكيل شده و سرپرستى آن بر عهده الازهر است. وزارت اوقاف، آموزش و پرورش، آموزش عالى، وزارت امور خارجه از اعضاى آن هستند. هدف اين شوراى عالى، عبارت است از: قاعده‏مند كردن تبليغات دينى در اماكن و مراكز و مواسم، بويژه در ايّام حج و ماه رمضان، اعزام هيأتهاى تبليغى به خارج از كشور، پوشش دادن اقليتهاى دينى در مصر و خارج از آن ارتباط با مراكز اسلامى در داخل و خارج.   
 الازهر، از ديرباز به اين نكته توجه داشته كه مصر به پايگاهى براى جهان اسلام تبديل شود. محمد عبده بر اين نكته تكيه داشت.77 از اين روى هر سال ده‏ها هيأت تبليغى روانه كشورهاى ديگر مى‏شوند. اين افراد در مساجد و يا مدارسى كه زير نظر الازهر اداره مى‏شوند به كار تبليغ و ارائه پيامهاى دينى مى‏پردازند. در يك گزارش تعداد هيأتهاى اعزامى الازهر 5110 گروه شماره شده است.78 بهره‏گيرى از طلاب خارج از كشور و تربيت و اعزام به زادگاه خود، از ديگر تجارب الازهر است. زيرا كه اعزام نيروهاى غير بومى به ديگر كشورها افزون بر هزينه‏هاى بسيار با دشواريهاى فراوان، از جمله زبان و فرهنگ و نيز كمبود نيرو روبه رو مى‏شوند. »معهد البعثه الاسلاميه« يا موسسه مبلغين اسلامى، اداره امور طلاب خارجى مبلغ را بر عهده دارد و در پايان دوره به آنان گواهينامه تبليغى داده مى‏شود.79   
   
**تبليغ و تخصص** از ديگر تجربه‏هاى الازهر تربيت مبلغان براى رشته‏ها و گروه‏هاى خاص است. روشن است كه مردم به طبقات گوناگون اجتماعى توزيع شده و همه از نظر معلومات در سطح يكسانى نيستند و هر يك از آنان زبان مخصوص به خود دارند. از طرفى همه مردم در مجامع عمومى و مساجد نمى‏توانند شركت كنند. رساندن دعوت دينى به آنان نيازمند راهنماى ويژه است. مبلغانى كه با طبقات مردم آشنا باشند، علائق و وابستگيهاى آنان را بشناسند و چونان طبيبى دوّار به سراغ‏شان بروند و بر زخم‏شان مرهم نهند.   
 الازهر در سده اخير، براى مراكز ويژه دعوت‏گر تربيت كرده است، از جمله: بيمارستانها، پادگانها، آموزش و پرورش، كانونهاى جوانان، مكانهاى عمومى و سالنهاى ورزشى.80   
 از تجربه‏هاى مهم ديگر اين كانون تبليغى، تربيت استاد براى دانشگاه‏هاى گوناگون جهان است. وحدت حوزه و دانشگاه، در شكل مناسب خود، در دانشگاه الازهر تحقق پيدا كرده و علوم انسانى و تجربى در آن تدريس مى‏شود. الازهر در حوزه تربيت مدرس و استاد براى رشته‏هاى گوناگون جهان اسلام موفق بوده و يكى از كارهاى آنان اعزام استادان خبره است. استادان، افزون بر رشته تخصصى خود، با معارف و اخلاق اسلامى نيز آشنا هستند و در كنار آموزش دانش خود، افكار و ارزشهاى دينى مورد نظر خود را نيز به دانشجويان منتقل مى‏سازند.81   
   
**نكته‏هايى درباره سامان دهى تبليغ** 1. هماهنگى دانشهاى حوزوى با نيازهاى تبليغى: هماهنگى و همسويى آن چه به طلاب آموزانده مى‏شود، با نيازهاى روز جامعه امرى ضرور و گزيرناپذير است. رسالت حوزه‏ها فهم آگاهانه دين و رساندن آن به مردم و دفاع از ارزشهاى دينى است. مهم‏ترين اولويتهاى جامعه‏هاى اسلامى، روشن‏گرى دينى و پاسخ به شبهه‏هاى فكرى است. حال اين كه مهم‏ترين فرصتهاى طلاب در آموزش و فراگيرى دانشهاى جداى از اين نيازها سپرى مى‏شود. فراگيرى فقه و اصول و دستيابى به فهم اجتهادى و دقيق احكام دين، فلسفه، كلام، همه و همه براى ورود به ميدانهاى عمل و روشن گريهاى دينى است. امّا اگر خود اين دانشها هدف بشوند و در بيرون اثرگذار نباشند و گروه و گروه‏هايى را به صراط هدايت رهنمون نباشند، راه‏هاى بسيار دشوار بى هدف پيموده شده است. خواندن دانشهاى دينى بويژه مقدمات آنها، بايد به اندازه نياز باشد و به اندازه‏اى كه طلبه را در فهم دين يارى برساند. آقا نجفى قوچانى در انتقاد از درس اصول ميرزاى رشتى نوشته است:   
 »درس ميرزا حبيب اللّه رشتى را اگر چه نديده بوديم، لكن شنيده‏ايم كه دوره اصول برحسب تدريس آن مرحوم ششصد سال طول مى‏كشيده! حال ترا به خدا اين طور درسها به درد كسى مى‏خورد؟ شاگرد و استاد علاوه بر عمر خدادادى از كه پانصد سال قرض كند كه دوره اصول را تمام كند؟ پيغمبر اكرم، صلى اللّه عليه و اله، كه در ظرف بيست و سه سال اصول و فروع و عقايد و اخلاق به تمام شعبه‏ها و دقايق‏ها بيان نمود و شاگردها نيز خوب فهميده بودند. ما عمرها بايد در اصول فقط بمانيم و به جايى نرسيم. «82   
 آخوند خراسانى براى آن كه عمر طلاب در درس اصول به پايان نرسد، دوره اصول را به چهار سال تقليل داد. استادان حوزه بايستى بخشى از فرصتهاى خود را به آموزش مسائل مورد ابتلاى جامعه ويژه كنند.   
 و يا بخش مهمى از كتاب وسائل الشيعه به كتاب عشرت اختصاص دارد و ائمه اطهار(ع) با آموزش تقيه مداراتى به شيعيان به آنان ياد مى‏دهند در نماز جماعت و جمعه ديگر مذاهب شركت كنند، به عيادت آنان بروند، به پيشوايان مذاهب آنان توهين نكنند.   
 شمارى از استادان با چشم پوشى از اين آموزه‏ها، بى تاب از هياهوى دشمن، براى مقابله با وهابيون هتاك و تندرو، سلاح مقابله به مثل برداشته، ناخواسته آب به آسياب دشمن مى‏ريزند. اين بزرگواران توجه ندارند كه افرادى مانند: آيت اللّه بروجردى، سيد محسن امين، محمد حسين كاشف الغطا، سيد شرف الدين، سيد موسى صدر، امام خمينى، سيد حسن نصراللّه و... كه در تبليغ دين سيرت اهل بيت را در پيش گرفتند، بيش‏تر توانستند افراد را با روح و زواياى ناب مكتب اهل بيت آشنا سازند، تا كسانى كه از شيوه‏هاى تند و افراطى استفاده مى‏كنند.   
 گرايش سيل عظيم جوانان مشتاق عرب و شبه قاره هند براى فهم مكتب اهل بيت، مديون كسانى است كه راه امام خمينى را، پيش گرفتند و با دفاع از مسلمانان در بند و مظلوم در ديده و دل جوانان مسلمان و عرب جاى گرفتند و كسانى كه جز اين مى‏روند، نه تنها كسى را هدايت نكرده كه چه بسا با تندرويهاى خود در خون شيعيان مظلومى كه به دست تندروهاى وهابى كشته مى‏شوند، شريك‏اند.   
 2. الگو و نماد تبليغى بهترين وسيله تبليغ است كه دو صد گفته چون نيم كردار نيست. اين موضوع در چند زاويه خود را نشان مى‏دهد. در مرتبه نخست رعايت شؤون روحانيت و نشان دادن شعارها در عمل، مهم‏ترين وسيله جذب مردم به دين است. وظايف و مسؤوليتهاى روحانيت به لحاظ رهبرى دينى و سياسى جامعه بيش از ديروز است و اين خود انتظارات مردم را دو چندان مى‏كند. به تعبير امام امت، روحانيت امانت دار خداوند است و چه بسا امورى و شيوه‏هاى زندگى كه بر ديگران مباح و جايز بوده و روحانيون به لحاظ اجتماعى از انجام آن بايد خوددارى كنند.83   
 روحانيون امروزه در نگاه و داورى مردم قرار دارند و به لحاظ حكم ثانوى نيز ضرورت دارد از تبرج و زياده‏روى بپرهيزند و بويژه روحانيون مسؤول، مانند: قضات و امامان جمعه و جماعت و نمايندگان مجلس و مسؤولان سياسى عقيدتى از داشتن زندگى متفاوت با توده مردم بپرهيزند كه اين كار همه روحانيون و نظام را زير سؤال مى‏برد. امام امت، بارها در اين باره تذكر داده و خطرات افزون‏طلبى و خروج از زى طلبگى را براى روحانيون يادآور شده‏اند. از جمله مى‏فرمايد:   
 »از اهم مسائلى كه به همه روحانيت و دست‏اندركاران كشور مربوط مى‏شود و هميشه نگران آن هستم كه مبادا اين مردمى كه همه چيزشان را فدا كردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران شوند؛ زيرا آن چيزى كه مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‏اند، كيفيت زندگى اهل علم است. اگر خداى نخواسته مردم ببينند كه آقايان وضع خودشان را تغيير داده‏اند، عمارت درست كردند و رفت و آمدهاى‏شان مناسب شأن روحانيت نيست و آن چيزى كه نسبت به روحانيت در دل‏شان بوده از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بين رفتن اسلام و جمهورى اسلامى همان«84   
 از نگاه ديگر: جمهورى اسلامى ايران تنها مدل موفق و تجربه پيروزى اسلام‏گرايى در تاريخ معاصر است. از ميان ده‏ها جريان اسلام گرا در خاورميانه و شمال افريقا، تنها انقلاب اسلامى به پيروزى رسيد و ديگر نهضت‏ها يا از مسير خود منحرف و يا منفعل شدند و يا با شكست در برابر استبداد، به محاق رفتند. ولى حركت و قيام بزرگ ملت ايران به رهبرى امام خمينى، با تمسك به اسلام ناب، به پيروزى رسيد. با پيروزى انقلاب اسلامى ايران، ديگر نهضت‏هاى اسلامى نيز قوت گرفتند و با الگوگيرى آن به آن از آن، جان تازه گرفتند و در جهان درخشيدند. از اين روى حراست و آفت‏زدايى از انقلاب اسلامى، مى‏تواند ما را از بسيارى از ابزارهاى تبليغى ديگر بى نياز سازد.   
 در افق ديگر، شهر قم عش و كانون85 آل محمد است و از نظر جغرافيائى در مركز و چهار راه ايران قرار دارد و طبقات گوناگون اجتماعى براى زيارت و فراگيرى دانش به قم سفر مى‏كنند. قم، كانون دانش‏هاى اسلامى و مركز مدارس علميه است و علماى بزرگ و مراجع تقليد در قم شرف حضور دارند. بيش‏ترين مهاجرتها به قم مهاجرت مذهبى است. از بيش‏تر نقاط ايران كسانى در قم زندگى مى‏كنند. عده زيادى از طلاب ديگر كشورها در قم درس مى‏خوانند كه در واقع نقش رابط بين قم و مردم كشور خود را بر عهده دارند. بخشى از مهاجران افغانى، از جمله تاجيكان حنفى مذهب نيز در قم به كار مشغول‏اند. همه اين ويژگيها به همراه پيشتازى مردم قم در انقلاب اسلامى و دفاع مقدس، دشمن را وسوسه مى‏كند تا بلكه جاى پايى در كانون تشيع بيايد و به جايگاه آن خدشه وارد سازد و آن را از چشمها بياندازد. از اين جهت مى‏بايست به كارهاى فرهنگى گروهكها و ديگر مكاتب انحرافى در قم به ديد سياسى نگريست.   
 در گذشته نيز نفوذيهاى دشمن در حوزه نجف، حوزه مشهد و... وجود داشته‏اند. انگليسيها به صراحت از عوامل نفوذى خود در حوزه نجف ياد كرده‏اند.86   
 يكى از اولويتهاى كارى بيوت مراجع، همكارى براى سامان بخشيدن به فرهنگ عمومى و اخلاق اجتماعى و نيازمنديهاى قم است تا اين كانون اسلام به عنوان الگو و محور قرار گيرد. اصلاح و سامان بخشيدن به قم و نشان دادن الگويى عينى، بخش بزرگى از بار تبليغى حوزه را كم مى‏كند.   
 3. ايجاد هماهنگى در نهادهاى اعزام كننده و توجيه مبلغان: امروزه چندين مركز در امر تبليغ و پيام رسانى دينى، نقش آفرينى مى‏كنند. دفتر تبليغات حوزه علميه قم، سازمان تبليغات، اداره اوقاف، وزارت ارشاد، سازمان ارتباطات، بيوت مراجع تقليد، معاونت فرهنگى و تبليغى حوزه، دفتر امور حوزه و دانشگاه‏ها، دانشكده تبليغ، موسسه مذاهب اسلامى و انجمنهاى تخصصى.   
 بايستى مركزى براى هماهنگى وجود داشته باشد، تا پخش مبلغان در نقاط كشور به درستى انجام گيرد. و از تداخل كارها پيش‏گيرى شود و نيز نيازهاى تبليغى به درستى شناسايى شود.   
 4. بهره‏گيرى از دانش آموختگان حوزه: حوزه‏ها از تمام ظرفيت‏هاى خود در امر تبليغ و پيام رسانى دينى بهره نمى‏گيرند. نيروهاى دانش آموخته و تواناى در امر تبليغ، يكى از ظرفيتهاى مهم است كه حوزه از آنان بهره نمى‏گيرد و يا با به كارگيرى آنان در بخشهاى ديگر، در عمل، در امر تبليغ آن كارايى لازم را ندارند. صدها طلبه فاضل در دفتر تبليغات، سازمان تبليغات؛ دفاتر مراجع، شوراى مديريت، جامعه مدرسين، موسسه امام خمينى و... از بهره رسانى در امر تبليغ باز مانده‏اند. لازم است سازمانها و نهادهاى ياد شده، برنامه‏اى بريزند كه از وجود نخبگان و دانش آموختگان مشغول به كار در آن نهادها و كانونها، به بهترين وجه در عرصه پيام رسانى دينى استفاده شود.   
 5. توجيه مبلغان براى كار دراز مدت از ديگر بايسته هاست: برخى از واعظان و طلاب جوان در هر مناسبت به دلخواه، منطقه‏اى را براى سفر تبليغى بر مى‏گزينند. اين شيوه گرچه براى شخص، شايد مفيد و بى دردسر باشد، ولى نمى‏توان براى كار فرهنگى روى آن، حساب ويژه باز كرد. و بايد توجه داشت كه مبلغ بايد چندين سال به طور پيوسته به منطقه‏اى اعزام بشود تا بتواند با مردم ارتباط برقرار كند و سخن و رفتارش اثر بگذارد. گاه طلبه به يك روستاى كوچك مى‏رود و در آن جا مدتى اقامت مى‏گزيند و با مردم انس مى‏گيرد و مردم نيز، از نزديك با او آشنا مى‏شوند. اين انس و آشنايى دو طرفه، بركات بسيارى دارد. بركات اين تبليغ در روستاى پنجاه خانوارى، بيش‏تر است از بركت منبر در مسجد جامع شهرى كه پانصد نفر در پاى منبر حاضر مى‏شوند و مبلغ با مردم در ارتباط نيست و مردم وى را فقط بر روى منبر مى‏بينند و بس.   
 البته طرحهاى هجرت و طرح روحانيون مستقر از طرحهاى موفقى بوده است كه به بخشى از نيازها پاسخ داده است.   
 6. تخصصى شدن امور تبليغ: هر كجا روحانيون در حوزه تخصصى خود، به كار پيام رسانى دينى مشغول شده‏اند موفق بوده‏اند. امروزه گروه بزرگى از سربازان و نظاميان از تحصيلات عاليه برخوردارند. بايسته است روحانيون عقيدتى و مبلغان نقش آفرين در بين اين گروه‏ها، دانش و آگاهى خود را بالا ببرند، بسيار بالاتر از آگاهى‏هاى مذهبى و اجتماعى نظاميان و... يا دوره تخصصى كه طلاب و پيام رسانان دين براى حضور در دانشگاه‏ها و مراكز آموزش عالى بايد بگذرانند، بسيار مهم است و بايد به آن اهميت ويژه داده شود، تا دستاوردهاى بسيار خوب و ماندگار داشته باشد. نه اين كه هر كس با هر ذوق و سليقه و پايه‏اى از دانش و آگاهى بتواند در اين مراكز حضور بيابد و به گمان خود تبليغ دين كند كه بى گمان اين گونه حضورها، نتيجه عكس خواهد داد.   
 بيمارستانها نيازمند مبلغان ويژه هستند. مبلغانى كه درباره شرايط روحى و روانى بيمارستانها و كادر خدمت گزار و بيماران دوره‏هاى خاص را ديده‏اند.   
 كليسا براى تبليغ در بيمارستانها، دوره‏هاى ويژه دارد. اصولا يكى از ابزار تبليغى مسيحيت گسترش مراكز درمانى است. در گذشته و دوره پيش از انقلاب اسلامى، مبلغان مسيحى در برخى از بيمارستانهاى ايران به كار پرستارى مشغول بودند و دختران تارك دنيا در آن جا خدمت مى‏كردند. اين خود موجب گرايش افرادى به كيش ترسايان شده بود.87   
 7. آمادگيهاى لازم: رساندن پيام دين و آموزه‏هاى وَحيانى ناب، به بيرون از مرزها جهادى است بزرگ. كه با آمادگيهاى لازم و برگيرى ره توشه‏هاى بسيار كارساز و ساز و برگى ره گشا، مى‏بايست در اين ميدان بزرگ گام گذارد. آشنايى با فرهنگ ملتها و آشنايى با زبانهاى زنده ملتها از نيازهاى تبليغىِ نخستين و گامهاى مقدماتى است كه بايد برداشته شود كه به هر دليل، پس از سى سال اين نياز برآورده نشده است. امروز استفاده از نيروى نظامى براى كسب استيلا بر ملتها كارايى خود را از دست داده و جهان استكبار براى تداوم سلطه گذشته خود به ابزار فرهنگ و ديپلماسى فرهنگى روى آورده است. غرب با جنگ نرم مهم‏ترين رقيب شرقى خود را از سر راه برداشت. ايجاد دانشكده‏هاى امريكايى مانند دانشگاه آمريكايى بيروت، دانشگاه آمريكايى قاهره و مؤسسات آموزشى در كشورهاى حوزه خليج فارس، همان ديپلماسى غربى است كه با ايجاد فرهنگ و ارزشهاى امريكايى، افزون بر باز كردن دروازه‏هاى سياسى و اقتصادى اين كشورها به روى امريكاى جهانخوار، نخبگان اين كشورها را به خود جذب كرده و نسلى از رهبران سياسى وابسته و استحاله شده را پرورش مى‏دهد. ما براى كمك به ملتهاى اسلامى و مستضعف نيازمند ارتباط فرهنگى با ديگر كشورها هستيم و اصولا بدون صدور فرهنگ اسلامى و بازى در زمين حريف، در خانه محاصره مى‏شويم. پس به جاى متمركز كردن همه نيروها در باروهاى دفاعى بايد پيش رفت و با كار فرهنگى دشمن را در خانه‏اش به دفاع واداشت و همه اينها بدون پيوند قوى فرهنگى با ملتهاى اسلامى ممكن نيست. همه بركتهايى كه تا كنون به بار آمده، حاصل سرمايه‏هاى موجود بوده است. كشور ما از ظرفيت‏هاى عظيم تمدنى و فرهنگى برخوردار است و مى‏توان با بهره‏گيرى از سرمايه‏هاى موجود جريان فرهنگى در جهان، بويژه جهان اسلام را در اختيار گرفت. صدور فرهنگ و ارزشهاى دينى را مى‏توان با بهره‏گيرى از غناى زبان فارسى جامه عمل پوشاند. مبلغان و پيام رسانان دينى در خارج از كشور نيروى بسيار قوى و بالفعلى دارند كه نبايد آن را ناديده بگيرند و آن ايرانيان مسلمان خارج از كشور است. پيام دين اگر به درستى به اينان، بويژه نسل جوان آنها رسانده شود، به گونه معجزه آسايى اثر خواهد گذاشت و دامنه پيام را خواهد گستراند.   
 روحانيان شيعه در جاى جاى جهان در كانون توجه‏اند. بسيارى از علاقه‏مندان به اسلام و انديشه‏هاى امام خمينى علاقه دارند با عالمان دين ارتباط پيدا كنند و از روح و پيام حقيقى انقلاب اسلامى آگاه شوند از اين مقوله و علاقه شديد مسلمانان جهان به انقلاب اسلامى و امام و عالمان شيعه نمونه‏هاى بسيار مى‏توان ارائه داد. از جمله: نگارنده در سفرى به مكه معظمه از يكى از شيفتگان به امام و انقلاب اسلامى، اهل شمال افريقا پرسيدم: چرا به جاى ارتباط با روحانيان كاروانها، خود مستقيما با وزارت امور خارجه ايران تماس برقرار نمى‏كنيد؟   
 پاسخ داد: عمامه و ردا نشانه قداست است. كسى كه به اين لباس آراسته است، مطمئن‏ترين شخصى است كه مى‏توان با او ارتباط برقرار كرد و درد دل كرد. روحانيون محرم اسرار مردم‏اند. از اين رو من شما را كه در جمع زوار مساله شرعيه مى‏گفتى، براى ارتباط برگزيدم و خوشبختانه راه به خطا نبردم.   
 با همه اين نيازها و زمينه‏هاى مناسب و علاقه شديد مسلمانان به ارتباط با روحانيان، نيروى آشنا به زبان و آماده تبليغ براى خارج از كشور اندك است. به تعبير استاد مصباح يزدى:   
 »در مالزى مذهب شيعه را به رسميت نمى‏شناسند. ايجاد حسينه و مراكز شيعى ممنوع است... در يك سفر كوتاه كه به مالزى داشتم، چندين دانشگاه از ما استاد فلسفه و علوم قرآن درخواست داشتند. استادى كه بتواند با زبان انگليسى تدريس كند ما دو استاد نتوانستيم بفرستيم. اگر اين كار را بتوانيم انجام دهيم از طريق دانشگاه، آن جا را تسخير مى‏كنيم. «88   
 رهبر معظم انقلاب اسلامى در ديدار با وزير فرهنگ و ارشاد اسلامى، اعضاى سازمان ارتباطات اسلامى و نمايندگان فرهنگى جمهورى اسلامى در خارج از كشور، درباره اين مهم فرمود:   
 »سفيران فرهنگى جمهورى اسلامى، خط مقدم جبهه فرهنگى در عرصه بين المللى هستند. ارائه تصوير درست و واقعى از نظام جمهورى اسلامى و واقعيتها و پيشرفتهاى ايران امروز در كنار ترويج زبان و ادبيات فارسى از جمله وظايف سنگين سفيران فرهنگى نظام اسلامى است. «89   
 معظم له در ضرورت آمادگى طلاب و برنامه ريزان حوزه براى اين مهم يادآور شدند:   
 »ارتباط شما [طلاب] با مسائل جهانى، با فرهنگهاى جهانى، با مطبوعات جهانى، با كتابها، با نوشتجات و با پيشرفتهاى علمى و فرهنگى از اين نظر حايز اهميت است كه شما را تكميل خواهد كرد. شما از اول انقلاب نگاه كنيد مرحوم شهيد بهشتى را به عنوان يك مثال ببينيد، او آدمى بود كه با مسائل جهانى مرتبط و متصل بود. از خصوصيات شهيد عزيزمان اين بود كه دو زبان خارجى را خوب مى‏دانست. ايشان در محافل هم به زبان آلمانى و هم با زبان انگليسى مى‏توانست سخنرانى كند. البته زبان عربى را هم بلد بود و به اين زبان هم سخنرانى مى‏كرد. امروزه در جامعه ما آن كسانى كه بتوانند با زبانهاى زنده دنيا صحبت كنند و معارف الهى و پيشرفتهاى فكرى و فرهنگ اسلامى را برسانند، خيلى كم هستند و اين خلأ بايد به گونه‏اى پر شود... . اگر در وقت صرفه جويى كنيم طلبه مى‏تواند به تعليم زبان خارجى هم بپردازد. «90   
   
 نتيجه   
 با مرورى بر راهكارهاى اثرگذار پيام رسانى دينى در جهان اسلام و نارساييهاى تبليغى موجود در حوزه‏هاى معاصر شيعه اين نتيجه‏ها به دست آمد.   
 1. نشان دادن الگوى عملى از رفتارهاى فردى و الگوى اجتماعى، مهم‏ترين وسيله جذب ديگران به اسلام و مكتب اهل بيت است.   
 2. منبر و تشكيلات تبليغى سنتى چونان گذشته از كارايى بى رقيبى برخوردار است و بايستى در تقويت و تكامل آن كوشيد.   
 3. ايجاد تخصص در تبليغ و بهره ورى مناسب از نيروهاى موجود تجربه‏اى است سودمند و مجرب و بى توجهى به آن خسارتى است غير قابل جبران.   
 4. هماهنگى ميان مراكز تبليغى توان بهره ورى را بالا برده و از پراكنده كارى و هدر رفتن نيروى پيش‏گيرى مى‏كند.   
 5. تبليغات خارج از كشور، بويژه در ميان ايرانيان مهاجر و ديگران ضرورتى است كه نبايد آن را كوچك شمرد. اين مهم افزون بر انجام رسالت دعوت دينى منافع فرهنگى و سياسى و اقتصادى فراوانى را براى كشور دربر خواهد داشت.   
 6. گرايشهاى روز افزون دنياى اسلام براى بازگشت به اسلام و تمدن اسلامى و نيز رويكرد نوين دنيا به مكتب اهل بيت(ع) حاصل روابط عاطفى شيعيان به جهان اسلام بوده كه بايد در افزايش اين تجربه موفق كوشيد.   
 پى‏نوشتها:   
 1. سوره توبه، آيه 122.   
 2. مجموعه ورام ج2 / 289. شبيه اين تعبير در صحيح مسلم ج 77/5؛ صحيح بخارى ج170/4.   
 3. الكامل فى التاريخ، ابن اثير ج305/2؛ دار صادر، بيروت؛ بحارالانوار ج363-360/21. موسسة الوفاء بيروت.   
 4. البرهان على عدم تحريف القرآن، سيد مرتضى رضوى / 66 الارشاد للطباعه و النشر بيروت.   
 5. مجموعه كتابهاى »من فقه الدعوه« مصطفى مشهور، دارالتوزيع والنشرالاسلاميه، 1416ق؛ مجموعه فقه الدعوة الى‏الله، عبدالرحمن حسن الميدانى، دارالقلم دمشق، 1417ق؛ الدعوة والدعاة، دكتر بسام الصباغ، دارالايمان، سوريه 1420ق؛ فصول فى الدعوة الاسلاميه، حسن عيسى عبدالظاهر، دارالثقافه قطر 1416؛ اصول الدعوه، دكتور عبدالكريم زيدان، بغداد 1395ق؛ فقه الدعوة، سيد قطب، روائع الكتب، 1413؛ مستلزمات الدعوه فى العصرالحاضر، على بن صالح المرشد، الينه، 1409. اثرالوقف على الدعوه، خالد فوزان، اوقاف شارقه، دراسة فى علم الدعوة الاسلاميه، احمد على الملا، دالفكر 1412. و...   
 6. سرزمين دره‏ها، شهاب الدين فرخ يار / 30 دفتر نشر فرهنگ اسلامى.   
 7. انديشه تقريب شماره 199/5. تابستان 87.   
 8. درباره يوسف دره الحداد. دراسة نقديه، لكتاب الانجيل فى القرآن، عبدالرحيم سعد داود /8-. المجمع العالمى لاهل البيت 1428ق.   
 9. كتاب القران ليس دعوة نصرانيه، سامى عصاصة، مقدمه، طبع دوم 2004 دارالوثائق بيروت.   
 10. فصلنامه تاريخ در آينه پژوهش - تخصصى تاريخ موسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى، شماره 11، مصاحبه آقاى سيدهادى خسروشاهى با موضوع »سابقه و ريشه تاريخى خصومت دستگاه مسيحيت با اسلام« (بخش دوم).   
 11. وبگاه بى بى سى فارسى؛ سايت كتاب نيوز. 12. روش تبليغ مسيحيت در ميان مسلمانان، مارش. ر - جارلز. ترجمه حسين مرادى، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامى، 1372ش.   
 13. جهان اسلام، مرتضى اسعدى ج22/2. مركز نشر دانشگاهى 1369.   
 14. روش تبليغ مسيحيت در ايران / 89.   
 15. ظهور و سقوط سلطنت پهلوى، خاطرات ارتشبد فردوست، ج 187/1، انتشارات اطلاعات 1369.   
 16. پهلوى‏ها، جمعى از مؤلفان، كتاب مرجع تهران 1388 به نقل از خاطرات علم، حوادث سال 1351.   
 17. مورخه 1389/7/27 در جمع مردم قم.   
 18. ر. ك: روزنامه همشهرى 6 آبان 1381.   
 19. همسر اوباما رئيس جمهور آمريكا در پاسخ اين سؤال كه آيا فرزندان شما فلان برنامه‏هاى ساخته شده به وسيله هاليوود را مى‏بينند. گفت اين برنامه‏ها براى دنياى غرب ساخته نشده است.   
 20. فصلنامه تاريخ و فرهنگ معاصر، مركز بررسيهاى اسلامى شماره 6و7 /273-271.   
 21. خبرگزارى فارس، 88/05/13 شماره: 8805121703   
 22. خبرگزارى فارس 22: 15 - 87/05/16: تحت عنوان: موساد 350 دانشمند هسته‏اى و 300 استاد دانشگاه را در عراق ترور كرد.   
 23. تاريخ و فرهنگ معاصر شماره 203/8.   
 24. غررالحكم ج 5 / 344   
 25. بيانات رهبرى در 24 مرداد 1374   
 26. بيانات رهبرى در 1380/6/5   
 27. تاريخ معاصر ايران، كتاب چهارم /203   
 28. پگاه حوزه، ويژه حوزه‏هاى دينى شماره 8/60.   
 29. همان: هفدهم مرداد 1383، شماره 140   
 30. انور السادات لا نور و لا سياده! حسنى مبارك، حيس لا حسن و لا بركه، از سخنان وى است.   
 31. مجله آفاق، دو ماهنامه مجتمع آموزشى امام خمينى، قم، شماره 4/24.   
 32. الازهر فى الف عام، /307-36 عالم الكتب 1408. ق.   
 33. مجموعه آثار شهيد مطهرى ج 636/13 صدرا 1374. ش.   
 34. انديشه تقريب شماره 199/15. تابستان 1387.   
 35. علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمين. . ، سيد احمد مؤثقى/215.   
 36. صحيفه نور مجموعه رهنمودهاى امام خمينى ج 126/13، وزارت ارشاد اسلامى.   
 37. روزنامه الرياض مورخ 17 محرم 1419 برابر با 1377/2/23.   
 38. فصلنامه ميقات حج، شماره 24 / 197   
 (هفته نامه الدعوه، مورخ 21 ذوالقعده 1418 برابر با 76/12/28)   
 39. المغازى واقدى ج 354/1.   
 40. تاريخ دانشگاه‏هاى بزرگ اسلامى/31   
 41. گفتار خوش يارقلى، شيخ محمد محلات / 75. مؤسسه انتشاراتى فراهانى 1384. ق.   
 42. تاريخ جمعيت اخوان المسلمين از آغاز تا امروز، ريچارد ميشل ترجمه سيد هادى خسروشاهى ج 94/2 انتشارات وزارت خارجه، 1387، چاپ دوم.   
 43. برآورد استراتژيك مصر، مختار حسينى /176، انتشارات موسسه فرهنگى مطالعات و تحقيقات بين الملل ابرار معاصر، تهران، 1381.   
 44. أسس التقدم عند مفكرى الاسلام، جدعان فهمى /581، قاهره، دارالشروق، 1978 م.   
 45. شيعه در مصر از آغاز تا عصر امام خمينى، صالح الوردانى، مترجم عبدالحسين بينش /152، موسسه دايره المعارف فقه اسلامى، 1382، چاپ اول.   
 46. سيد مجتبى نواب صفوى، انديشه‏ها مبارزات، سيد حسين خوش نيت /141 انتشارات منشور برادرى، 1360 ش.   
 47. تاريخ و فرهنگ معاصر شماره 238/8.   
 48. جهاد اسلامى، فتحى شقاقى، ترجمه سيد هادى خسروشاهى 168، انتشارات روزنامه اطلاعات، 1375، تهران   
 49. برآورد استراتژيك مصر /170.   
 50. اخوان المسلمين، خسرو صفوى /26، رسام، 1365، تهران. عصر روز 12 فوريه 1948 حسن البناء در مقابل دفتر سازمان جوانان مسلمان در حال سوار شدن به تاكسى مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بيمارستان درگذشت.   
 51. فلسفه نيكو، حسن نيكو ج 148/2، بنگاه مطبوعاتى فراهانى بى تا.   
 52. كتاب التقريب ج 279/3، محمد مهدى تسخيرى، مركز جهانى تقريب مذاهب اسلامى   
 53. پگاه حوزه شماره 252.   
 54. انديشه تقريب، مجمع تقريب مذاهب اسلامى سال 4 شماره 136/15. .   
 55. پيام مبلغ /72.   
 56. آينه دانشوران /68.   
 57. ياران امام به روايت اسناد ساواك ج 46-45/1 (سيد محمدرضا سعيدى)   
 58. طلايه دار فرهنگ اسلامى در عصر اختناق، خاطراتى از شيخ عباسعلى اسلامى /129 انتشارات كتابخانه بزرگ اسلامى، 1374.   
 59. همان /176.   
 60. همان /111.   
 61. همان /153.   
 62. همان /149.   
 63. ياران امام به روايت اسناد ساواك ج 6/1.   
 64. همان.   
 65. از مقدمه ايرانشهر، بر كتاب شرح حال و آثار سيد جمال الدين اسدآبادى، نوشته ميرزا لطف اللّه اسدآبادى، دارالفكر، قم.   
 66. خبرگزارى تقريب يكشنبه 14 آذر 1389   
 67. آفات الطلاب، شاكر برخوردار، ج 124/2. موسسه انتشاراتى لاهوت، 1389ش.   
 68. تقريرات ميرزاى شيرازى، روزدرى ج 16/1 موسسه آل البيت.   
 69. سايت مركز اسناد انقلاب اسلامى، مقاله رحيم روح بخش.   
 70. اعيان الشيعه، محسن الامين، جزو 56/70؛ مستدركات، ج 56/73؛ دوله الموحدين الاسلاميه حسن الامين /120، دار الزهراء، بيروت   
 71. نهضت شيعيان در انقلاب اسلامى عراق، عبداللّه فهد نفيسى، برگردان كاظم چاپچيان /38، امير كبير. 1364. ش.   
 72. همان 72.   
 73. عاشورا، عزادارى، مجموعه مقالات /85 نشر صحيفه خرد.   
 74. پژوهه، دو ماهنامه اطلاع رسانى مركز جهانى علوم اسلامى، فروردين و ارديبهشت 1385، شماره 17. تركيه؛ وضعيت دينى در عصر حاضر، گفت و گو با حجت الاسلام مرتضى ترابى و آقايان قدرى چليك و موسى جمالى   
 75. شهيد محمد شهّاده از رهبران شهيد فلسطينى مى‏گفت: فلسطين مظلوم است چنان كه اهل بيت پيامبر در ميان امت اسلامى مظلوم‏اند.   
 76. دانشگاه الازهر، تاريخ هزار ساله تعليمات اسلامى، باياردداج ترجمه آذرميدخت مشايخ فريدنى /1. مركز نشر دانشگاهى، 1367. ش؛ الازهر فى الف عام، دكتر محمد عبدالمنعم خفاجى /23-22. عالم الكتب. 1408.   
 77. دانشگاه الازهر /135.   
 78. دانشگاه الازهر، دفتر مطالعات راهبردى /37، مدارس علوم دينى خارج از كشور.   
 79. دانشگاه الازهر، باياردداج /230.   
 80. دانشگاه الازهر، دفتر مطالعات راهبردى /36.   
 81. از سخنان نمايندگى فرهنگى جمهورى اسلامى در مصر. .   
 82. سياحت شرق يا زندگينامه آقا نجفى قوچانى /184.   
 83. جهاد اكبر، امام خمينى، چاپ شده به همراه كتاب ولايت فقيه /222.   
 84. سيماى فرزانگان، رضا مختارى /446. به نقل از كيهان 1364/5/26.   
 85. بحارالانوار علامه مجلسى ج 214/57،موسسه الوفاء. بيروت.   
 86. خاطرات من، يا روشن شدن تاريخ صد ساله، حسن اعظام قدسى ج 16/2 انتشارات ابوريحان 1349. ش.   
 87. عدل الهى شهيد مطهرى، چاپ شده در مجموعه آثار ج 271/1. صدرا، 1374. ش.   
 88. همايش تجليل از پژوهشگران مورخه 1385/9/29. موسسه امام خمينى.   
 89. از بيانات مقام معظم رهبرى 11 اسفند 1388.   
 90. حوزه و روحانيت ج 39/2.   
   
  
  
پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم